



پاسخنامه

دوازدهم انسانی

گروه مسأله‌های پژوهشی آکو
۴ آذر ۱۴۰۱

بنیاد علمی آموزشی قلم‌چی (وقف عام)

دفتر مرکزی: خیابان انقلاب بین صبا و فلسطین پلاک ۹۲۳ - بنیاد علمی آموزشی قلم‌چی (وقف عام) ۶۴۶۳-۲۱۰۰

«تمام دارایی‌ها و درآمدهای بنیاد علمی آموزشی قلم‌چی وقف عام است بر گسترش دانش و آموزش»

پدید آورندگان آزمون

طراحان به ترتیب حروف الفبا

نام درس	نام طراحان
ریاضی و آمار	محمد بحیرایی، ابوالفضل بهاری، محمدابراهیم توننده‌جانی، محمد حمیدی، کورش داودی، احمدرضا ذاکرزاده، امیر زراندوز، جواد زنگنه قاسم‌آبادی، حمیدرضا سجودی، علی سرآبادانی، علیرضا عبدی، امیر محمودیان، اسماعیل میرزایی، حامد نصیری، محمد یگانه
اقتصاد	نسرین جعفری، مائده حسنی، سارا شریفی، مهدی ضیائی
علوم و فنون ادبی	سید علیرضا احمدی، محسن اصغری، عزیز الیاسی‌پور، سیدعلیرضا علویان، فرهاد علی‌نژاد، سجاد غلام‌پور، فرهاد فروزان‌کیا، مجتبی فرهادی، کاظم کاظمی، یاسین مهدیان
جامعه‌شناسی	ریحانه امینی، آریتا بیدقی، فاطمه صفری، ارغوان عبدالملکی، نگار غلامی
عربی زبان قرآن	درویشعلی ابراهیمی، ولی برجی، بهروز حیدریکی، مرتضی کاظم‌شیرودی، محمدعلی کاظمی نصرآبادی، علی محسن‌زاده، سیدمحمدعلی مرتضوی، سیده محیا مؤمنی، پیروز وجان
تاریخ و جغرافیا	میلاد باغ‌شیخی، علیرضا رضایی، فاطمه سخایی، سیدعلیرضا علویان، علی‌محمد کریمی، جواد میربلوکی، میلاد هوشیار
فلسفه و منطق	حسین آخوندی راهنماچی، سبا جعفرزاده صابری، نیما جواهری، حسن صدری، فرهاد قاسمی‌نژاد، علیرضا نصیری
روان‌شناسی	حمیدرضا توکلی، مهدی جاهدی، مهسا عفتی، فرهاد علی‌نژاد

گزینشگران و ویراستاران

نام درس	گزینشگر	مسئول درس	ویراستار	مستندسازی
ریاضی و آمار	محمد بحیرایی	محمد بحیرایی	ایمان چینی‌فروشان، مهدی ملارمضانی، علی ارجمند	الیه شهبازی
اقتصاد	مهدی ضیایی	سارا شریفی	فاطمه صفری	زهره قموشی
علوم و فنون ادبی	سیدعلیرضا احمدی، فرهاد علی‌نژاد	سیدعلیرضا احمدی، فرهاد علی‌نژاد	یاسین مهدیان، سیدعلیرضا علویان، امیرحسین واحدی	فریبا رثوفی
جامعه‌شناسی	ارغوان عبدالملکی	ارغوان عبدالملکی	فاطمه صفری	زهره قموشی
عربی زبان قرآن	نوید امساک	سید محمدعلی مرتضوی	درویشعلی ابراهیمی	لیلا ایزدی
تاریخ	سیدعلیرضا علویان	سیدعلیرضا علویان	زهره دامیار	خدیجه
جغرافیا	سیدعلیرضا علویان	سیدعلیرضا علویان	زهره دامیار	جنت‌علی‌پور
منطق و فلسفه	سبا جعفرزاده صابری	نیما جواهری	فرهاد علی‌نژاد	زهره قموشی
روان‌شناسی	مهسا عفتی	مهسا عفتی	فرهاد علی‌نژاد، فاطمه صفری	زهره قموشی

گروه فنی و تولید

مدیر گروه	سید محمدعلی مرتضوی
مسئول دفترچه	زهره دامیار
گروه مستندسازی	مدیر: مازیار شیروانی‌مقدم، مسئول دفترچه: زهره قموشی
حروف‌چین و صفحه‌آرا	مهشید ابوالحسنی
ناظر چاپ	حمید عباسی

ریاضی و آمار (۳)

۱- گزینه «۳»

(اسماعیل میرزایی)

تاس در ۲ حالت ۳ و ۶ مضرب ۳ است که ۲ پرتاب سکه می‌کنیم و هر سکه نیز ۲ حالت دارد. در ۴ حالت دیگر تاس که مضرب ۳ نیست ۲ تاس دیگر پرتاب می‌کنیم که هر تاس ۶ حالت دارد. بنابراین:

$$n(S) = 2 \times 2 \times 2 + 4 \times 6 \times 6 = 8 + 144 = 152$$

(ریاضی و آمار (۳)، آمار و احتمال، صفحه‌های ۱۲ تا ۱۶)

۲- گزینه «۴»

(محمدرضا ابراهیم تونزنده‌پانی)

ابتدا مجموعه‌های A و B را مشخص می‌کنیم:

$$n(S) = 2^3 = 8$$

$$A = \{(د, د, د), (د, د, پ), (د, پ, د), (پ, د, د), (د, د, د), (د, د, پ), (د, پ, د), (پ, د, د)\}$$

$$B = \{(د, د, د), (د, د, پ), (د, پ, د), (پ, د, د), (د, د, د), (د, د, پ), (د, پ, د), (پ, د, د)\}$$

$$\Rightarrow A - B = \{(د, د, د), (د, د, پ), (د, پ, د), (پ, د, د)\}$$

$$\Rightarrow n(A - B) = 4 \Rightarrow \text{تعداد کل زیرمجموعه‌ها} = 2^4 = 16$$

(ریاضی و آمار (۳)، آمار و احتمال، صفحه‌های ۱۲ تا ۱۶)

۳- گزینه «۲»

(محمدرضا گیلانه)

هر سکه ۲ حالت و تاس ۶ حالت دارد، بنابراین:

$$n(S) = 6 \times 2 \times 2 = 24$$

تاس در ۳ حالت زوج و ۲ سکه در ۲ حالت یکسان هستند، پس:

$$n(A) = 3 \times 2 = 6$$

$$\Rightarrow P(A) = \frac{6}{24} = \frac{1}{4}$$

(ریاضی و آمار (۳)، آمار و احتمال، صفحه‌های ۱۴ تا ۲۱)

۴- گزینه «۲»

(علی سرآبادانی)

$$P(A) = \text{احتمال قرمز رنگ بودن}$$

تعداد اعضای فضای نمونه برابر تعداد گوی‌ها یعنی $3 + 5 + x$ و تعداد گوی قرمز رنگ برابر ۳ است، بنابراین:

$$P(A) = \frac{3}{3 + 5 + x} = \frac{1}{4} \Rightarrow 12 = 8 + x \Rightarrow x = 4$$

(ریاضی و آمار (۳)، آمار و احتمال، صفحه‌های ۱۴ تا ۲۱)

۵- گزینه «۳»

(امیر محمودیان)

$$n(S) = \binom{10}{5} = \frac{10!}{5! \times 5!} = 252$$

برای آن که تعداد بازیگران بیشتر از تعداد خواننده‌ها و تعداد خواننده‌ها بیشتر از تعداد کارگردان‌ها باشد، حالات زیر قابل قبول است:

الف) ۴ بازیگر، ۱ خواننده و صفر کارگردان:

$$\binom{5}{4} \times \binom{3}{1} \times \binom{2}{0} = 5 \times 3 \times 1 = 15$$

ب) ۳ بازیگر، ۲ خواننده، صفر کارگردان:

$$\binom{5}{3} \times \binom{3}{2} \times \binom{2}{0} = 10 \times 3 \times 1 = 30$$

$$P(A) = \frac{n(A)}{n(S)} = \frac{15 + 30}{252} = \frac{45}{252} = \frac{5}{28}$$

(ریاضی و آمار (۳)، آمار و احتمال، صفحه‌های ۱۴ تا ۲۷)

۶- گزینه «۳»

(حامد نصیری)

حداقل ۲ مهره سیاه یعنی یا ۲ تا سیاه یا ۳ تا سیاه. (دقت کنید هر ۴ مهره نمی‌توانند سیاه باشند چون فقط ۳ مهره سیاه داریم.)

$$P(A) = \frac{\binom{3}{2}\binom{6}{2} + \binom{3}{3}\binom{6}{1}}{\binom{9}{4}} = \frac{(3 \times 15) + (1 \times 6)}{126} = \frac{45 + 6}{126}$$

$$= \frac{51}{126} = \frac{17}{42}$$

(ریاضی و آمار (۳)، آمار و احتمال، صفحه‌های ۱۴ تا ۲۷)

۷- گزینه «۲»

(محمدرضا حمیدی)

$$P(A - B) = P(A) - P(A \cap B) = 0.5$$

$$P(B) = 1 - P(B') = 1 - 0.6 = 0.4$$

$$\Rightarrow P(A \cup B) = P(A) + P(B) - P(A \cap B)$$

$$= \underbrace{P(B)}_{0.4} + \underbrace{P(A)}_{0.5} - \underbrace{P(A \cap B)}_{0.5}$$

$$= 0.4 + 0.5 - 0.5 = 0.4$$

(ریاضی و آمار (۳)، آمار و احتمال، صفحه‌های ۱۴ تا ۲۷)

۸- گزینه «۴»

(امیر زراندوز)

ابتدا $n(S)$ را به دست می‌آوریم:

$$n(S) = 5 \times 4 \times 3 = 60$$

حال تعداد اعداد سه رقمی که بر ۵ بخش پذیر باشد را از بین اعداد فضای نمونه به دست می‌آوریم:

$$n(A) = 4 \times 3 \times \frac{1}{5} = 12$$

$$\Rightarrow P(A) = \frac{n(A)}{n(S)} = \frac{12}{60} = \frac{1}{5}$$

(ریاضی و آمار (۳)، آمار و احتمال، صفحه‌های ۱۴ تا ۲۱)

۹- گزینه «۱»

(محمدرضا حمیدی)

در گام دوم اطلاعات توصیفی را به اطلاعات کمی تبدیل می‌کنیم.

هر چه پراکندگی متغیر مورد بررسی در جامعه بیشتر باشد برای حصول اطمینان از وجود تنوع در نمونه به اندازه نمونه بزرگ‌تری نیاز داریم.

(ریاضی و آمار (۳)، آمار و احتمال، صفحه‌های ۳۰ تا ۳۲)

۱۰- گزینه «۱»

(محمدرضا حمیدی)

با توجه به بلندی مستطیل میانگین داده‌ها برابر $\bar{x} = 40$ است.

با توجه به بلندی میل خط، انحراف معیار داده‌ها برابر $\sigma = 4$ است.

$$\Rightarrow \sigma^2 = 4^2 = 16$$

$$\Rightarrow \frac{\sigma^2}{\bar{x}} = \frac{16}{40} = \frac{2}{5}$$

(ریاضی و آمار (۳)، آمار و احتمال، صفحه‌های ۳۳ تا ۳۵)

ریاضی و آمار (۲)

۱۱- گزینه «۳»

(امیر زرندوز)

طبق تعریف تابع علامت داریم:

$$\text{sign}(\sqrt{19}-3)=1$$

مثبت

$$\text{sign}(-2)=-1$$

منفی

$$\Rightarrow A = -2 - 1 = -3$$

(ریاضی و آمار (۲)، تابع، صفحه ۳۵)

۱۲- گزینه «۱»

(مهمربگانه)

در تابع پلکانی هر ضابطه آن مقداری ثابت است. پس در ضابطه اول ضریب

x برابر صفر و در ضابطه دوم ضریب x^2 برابر صفر است. در نتیجه:

$$\begin{cases} 2a+b=0 \\ a-2b=-5 \end{cases} \Rightarrow \begin{cases} 4a+2b=0 \\ a-2b=-5 \end{cases} \Rightarrow 5a=-5 \Rightarrow a=-1$$

$$\frac{a=-1}{2a+b=0} \Rightarrow b=2 \Rightarrow a+b=-1+2=1$$

(ریاضی و آمار (۲)، تابع، صفحه‌های ۳۴ و ۳۵)

۱۳- گزینه «۳»

(مهمربگیری)

ابتدا مقدار $f(5)$ را محاسبه می‌کنیم:

$$f(5) = 3 \left[\frac{5}{2} \right] + 1 = 3 \times 2 + 1 = 7$$

$$\Rightarrow g(7) = \left[\frac{7}{2} - \frac{1}{3} \right] = \left[\frac{21-2}{6} \right] = \left[\frac{19}{6} \right] = 3$$

(ریاضی و آمار (۲)، تابع، صفحه‌های ۳۷ تا ۳۹)

۱۴- گزینه «۳»

(پوار رنگنه قاسم آباری)

ابتدا محدوده عدد داخل هر جزء صحیح را به دست می‌آوریم:

$$9 < 15 < 16 \Rightarrow 3 < \sqrt{15} < 4$$

$$\Rightarrow 1 < \sqrt{15} - 2 < 2 \Rightarrow \left[\sqrt{15} - 2 \right] = 1$$

$$-1 < -0.01 < 0 \Rightarrow \left[-0.01 \right] = -1$$

$$2 < \sqrt{7} < 3 \Rightarrow \left[\sqrt{7} \right] = 2$$

$$3 < \frac{15}{4} < 4 \Rightarrow \left[\frac{15}{4} \right] = 3$$

$$\Rightarrow A = \frac{3 \times 1 + (-1)}{2 - 2 \times (3)} = \frac{2}{-4} = -\frac{1}{2}$$

(ریاضی و آمار (۲)، تابع، صفحه‌های ۳۷ تا ۳۹)

۱۵- گزینه «۲»

(مهمربگیری)

ابتدا محدوده x و سپس $\frac{x}{2}$ را به دست می‌آوریم:

$$2[x+1] = 4 \Rightarrow [x+1] = \frac{4}{2} = 2 \Rightarrow 2 \leq x+1 < 3$$

$$\Rightarrow 1 \leq x < 2 \Rightarrow \frac{1}{2} \leq \frac{x}{2} < 1 \Rightarrow \frac{x}{2} \notin \mathbb{Z}$$

$$y = |a| + |-a| = \begin{cases} -1, & a \notin \mathbb{Z} \\ 0, & a \in \mathbb{Z} \end{cases}$$

با توجه به نکته بالا برای $\frac{1}{2} \leq \frac{x}{2} < 1$ داریم:

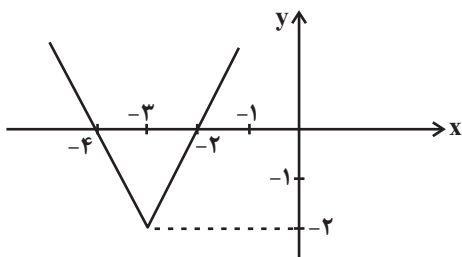
$$\left| \frac{x}{2} \right| + \left| -\frac{x}{2} \right| = -1$$

(ریاضی و آمار (۲)، تابع، صفحه‌های ۳۷ تا ۳۹)

۱۶- گزینه «۳»

(امهمرضا ذاکر زاده)

با رسم تابع $y = 2|x+3| - 2$ می‌توان برد تابع را مشخص کرد.



با توجه به نمودار برد تابع برابر است با:

$$\{y \in \mathbb{R} | y \geq -2\}$$

(ریاضی و آمار (۲)، تابع، صفحه‌های ۳۰ تا ۳۴)

۱۷- گزینه «۲»

(مهمربگیری)

$$f(x) = 2|x-3| + 1 = \begin{cases} 2(x-3) + 1, & x \geq 3 \\ -2(x-3) + 1, & x < 3 \end{cases}$$

$$= \begin{cases} 2x-5, & x \geq 3 \\ -2x+7, & x < 3 \end{cases}$$

(ریاضی و آمار (۲)، تابع، صفحه‌های ۳۰ تا ۳۴)

۱۸- گزینه «۲»

(امهمرضا ذاکر زاده)

$$f(x) = \begin{cases} x+3, & x > -3 \\ -x-3, & x \leq -3 \end{cases}$$

$$\Rightarrow (f-g)(x) = \begin{cases} x+3-2x-1, & x > -3 \\ -x-3-x+1, & x \leq -3 \end{cases}$$

$$= \begin{cases} -x+2, & x > -3 \\ -2x-2, & x \leq -3 \end{cases}$$

(ریاضی و آمار (۲)، تابع، صفحه‌های ۳۹ تا ۵۳)

۱۹- گزینه «۲»

(مهمربگانه)

ضابطه تابع $\left(\frac{f}{g}\right)(x)$ را به دست می‌آوریم: (خطی که از نقاط $(0, -1)$ و

$(1, 0)$ می‌گذرد.)

$$\left(\frac{f}{g}\right)(x) = x - 1$$

$$\Rightarrow \frac{f(x)}{g(x)} = \frac{x^2 - 1}{g(x)} = x - 1 \Rightarrow g(x) = \frac{x^2 - 1}{x - 1}$$

$$\Rightarrow g(x) = \frac{(x-1)(x+1)}{x-1} = x+1$$

(ریاضی و آمار (۲)، تابع، صفحه‌های ۳۹ تا ۵۳)

۲۰- گزینه «۳»

(معمداً ابراهیم توزندهانی)

سهمی در نقطه‌هایی به طول صفر و ۴ محور x ها را قطع می‌کند. پس معادله سهمی به صورت $y = a(x-0)(x-4)$ نوشته می‌شود و نقطه $(2, 3)$ رأس سهمی است، پس:

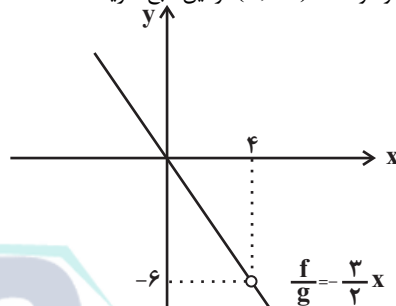
$$x_s = \frac{0+4}{2} = 2$$

$$f(x) = ax(x-4) \rightarrow f(2) = 3 \rightarrow 3 = 2a(-2) \Rightarrow a = -\frac{3}{4}$$

خط g از دو نقطه $(0, -2)$ و $(4, 0)$ می‌گذرد و معادله‌اش $g(x) = \frac{x-4}{2}$ است. پس:

$$\left(\frac{f}{g}\right)(x) = \frac{-\frac{3}{4}x(x-4)}{\frac{x-4}{2}} = -\frac{3}{2}x$$

پس برد $\frac{f}{g}$ به صورت $R - \{-6\}$ است. چون به ازای $x = +4$ تابع $g(x)$ برابر صفر می‌شود و نقطه $(4, -6)$ در این تابع تعریف نشده است.



(ریاضی و آمار (۲)، تابع، صفحه‌های ۳۵ تا ۵۴)

اقتصاد

۲۱- گزینه «۳»

(کتاب آبی)

با کاهش تولید و پدید آمدن رکود، کارگران کمتری هم مورد نیاز است و سرمایه کمتری مورد استفاده قرار می‌گیرد؛ در چنین شرایطی اقتصاد دارای منابع بیکاری است که این منابع می‌توانست برای تولید کالا و خدمات استفاده شود، اما از آن‌ها برای تولید هیچ چیز استفاده نمی‌شود. وجود منابع بیکار سبب می‌شود که کشور در زیر مرز امکانات تولید قرار گیرد. دلایل مختلفی برای قرار گرفتن در درون مرز امکانات تولید به جای قرار گرفتن روی آن وجود دارد. شاید برخی از کارخانه‌ها بسته شده‌اند و یا بعضی از کارگرها بیکار هستند.

(اقتصاد، رکود، بیکاری و فقر، صفحه‌های ۸۳ و ۸۵)

۲۲- گزینه «۳»

(علیرضا رضایی)

الف) اطمینانی که مردم به ارزش پول در مبادلات دارند، «پشتوانه پول» به‌شمار می‌رود. زمانی که پول فلزی (طلا و نقره) رایج بود، پشتوانه پول همان طلا و نقره موجود در خود پول بود. پشتوانه پول کاغذی هم پول‌های فلزی و شمش‌های طلا و جواهراتی بود که نزد صراف یا بانک بود؛ اما امروزه پول‌های فلزی، کاغذی، تحریری و الکترونیکی که در دست افراد یا در حساب آن‌هاست، پشتوانه‌ای جز قدرت اقتصادی کشور ندارد.

ب) وسیله پرداخت‌های آینده؛ در صورتی که پول بتواند حفظ ارزش کند، می‌تواند وسیله مناسبی برای پرداخت‌های آینده نیز باشد. این وظیفه پول در روزگار ما کاملاً محسوس است؛ زیرا بیشتر معاملات تجاری در مقابل پرداخت‌های آینده صورت می‌گیرد. خرید اقساطی و رد و بدل کردن حواله‌های بانکی از همین نوع است.

۲۳- گزینه «۲»

(نسرین یغفری)

نفر $42,900,000 + 42,100,000 = 85,000,000$ جمعیت کشور

نفر $85,000,000 \times \frac{40}{100} = 34,000,000$ جمعیت فعال

جمعیت بیکار + جمعیت شاغل = جمعیت فعال
جمعیت شاغل - جمعیت فعال = جمعیت بیکار
نفر $34,000,000 - 23,800,000 = 10,200,000$

جمعیت بیکار ۱۵ ساله و بیشتر $\times 100$ = نرخ بیکاری
جمعیت فعال ۱۵ ساله و بیشتر

درصد $\frac{10,200,000}{34,000,000} \times 100 = 30$ = نرخ بیکاری

(اقتصاد، رکود، بیکاری و فقر، صفحه‌های ۸۵ و ۸۶)

۲۴- گزینه «۳»

(مهری ضیائی)

در حالت رکود اقتصادی که سطح تولید کاهش و بیکاری افزایش می‌یابد، معمولاً سیاست‌های انبساطی پول (سیاست افزایش نقدینگی یا همان افزایش حجم پول در گردش) اعمال می‌شود.

یکی از روش‌هایی که بانک مرکزی کشورها برای کنترل تورم و تنظیم نقدینگی در گردش به کار می‌گیرد، سیاست بازار باز (فروش اوراق مشارکت) است. در این روش بانک مرکزی می‌تواند با فروش اوراق مشارکت (در هنگام تورم) به طور مستقیم از مقدار نقدینگی در دست مردم بکاهد یا با خرید اوراق مشارکت (در هنگام رکود اقتصادی) نقدینگی بیشتری به جامعه تزریق کند.

(اقتصاد، تورم و کاهش قدرت خرید، صفحه ۱۰۳)

۲۵- گزینه «۲»

(مهری ضیائی)

بیکاری ساختاری: بیکاری‌ای که ناشی از عدم تطبیق بین افراد جویای کار و انواع شغل‌های موجود به دلایلی از جمله عدم تطابق مهارت‌هاست، مثلاً نیروی کار ساده در اقتصاد وجود دارد ولی نیروی کار متخصص مورد نیاز است.

بیکاری دوره‌ای: بیکاری‌ای که هنگام رکود اقتصادی رخ می‌دهد. در دوره رکود، تولید کاهش می‌یابد و به همین دلیل شرکت‌ها استخدام خود را متوقف می‌کنند یا بخشی از نیروهای خود را بیکار می‌کنند. (وجود منابع غیرفعال در جامعه)

(اقتصاد، رکود، بیکاری و فقر، صفحه ۸۷)

۲۶- گزینه «۴»

(مانره حسینی)

تشریح موارد نادرست:

ب) با توجه به مفهوم فقر نسبی، می‌توان گفت که محاسبه تعداد افراد فقیر بسیار پیچیده و سخت و شاید ناممکن است. از این‌رو مفهوم دیگری تعریف می‌شود به نام «فقر مطلق» که مطابق با آن می‌توان معیاری را برای سنجش میزان فقر در نظر گرفت؛ به‌عنوان مثال، مطابق با معیار بانک جهانی، افرادی که زیر ۱/۹ دلار در روز درآمد دارند، زیر خط فقر مطلق‌اند و از تأمین احتیاجات اولیه زندگی خود عاجزند.

ج) در شاخص فقر مطلق، ارزش دلار، از طریق روش برابری قدرت خرید محاسبه می‌شود.

(اقتصاد، رکود، بیکاری و فقر، صفحه‌های ۸۸ و ۸۹)

روان‌شناسی

۲۷- گزینه «۲»

(نسرین معفری)

$$\begin{aligned} & 1399 = (20 \times 200) + (50 \times 700) + (80 \times 1000) = \text{هزینه سبد بازار در سال } 1399 \\ & = 80,000 + 35,000 + 4,000 = 119,000 \text{ تومان} \\ & 1400 = (20 \times 210) + (50 \times 800) + (80 \times 1,500) = \text{هزینه سبد بازار در سال } 1400 \\ & = 120,000 + 40,000 + 4,200 = 164,200 \text{ تومان} \\ & \text{هزینه سبد بازار در سال } 1399 - \text{هزینه سبد بازار در سال } 1400 = \text{cpi برای سال } 1400 \\ & = \frac{164,200 - 119,000}{119,000} \times 100 = 37.98\% \end{aligned}$$

(اقتصاد، تورم و کاهش قدرت خرید، صفحه ۱۰۱)

۲۸- گزینه «۱»

(نسرین معفری)

الف) در سطح دستمزد ۶ میلیون تومان، بازار به تعادل می‌رسد. یعنی دستمزد درخواستی نیروی کار برای اشتغال با دستمزد پرداختی از سوی کارفرما برابر است. در این سطح از دستمزد، تعداد عرضه و تقاضای نیروی کار نیز با هم برابر می‌شود. این تعداد یعنی ۶,۵۰۰,۰۰۰ نفر را مقدار تعادلی می‌نامند. ب) در سطوح دستمزد بالای ۶ میلیون تومان، بازار دارای مازاد عرضه است. تعداد زیادی از افراد حاضر به کار در این سطح دستمزد هستند ولی کارفرمایان تمایلی به استخدام این تعداد از افراد با این سطح دستمزد ندارند. در نتیجه چون گروهی از افراد بیکار هستند، حاضرند با سطح دستمزد پایین‌تری کار را انجام دهند؛ در نتیجه دستمزد تا سطح رسیدن به دستمزد تعادلی پایین می‌آید.

پ) اگر دولت میزان دستمزد پرداختی به نیروی انسانی را افزایش دهد، بر روی منحنی عرضه و از نقطه O به B حرکت خواهیم کرد.

(اقتصاد، رکود، بیکاری و فقر، صفحه‌های ۸۶ و ۸۷)

۲۹- گزینه «۱»

(مهرداد ضیائی)

الف) دلایل به‌وجود آمدن تورم در جامعه:
۱- نابرابری عرضه و تقاضای کل در اقتصاد (فزونی تقاضا بر عرضه)
۲- هماهنگ نبودن افزایش نقدینگی در کشور با افزایش تولید
دلایل به‌وجود آمدن تورم در کشور ما:
- افزایش درآمدهای نفتی
- نوسانات نرخ ارز

ب) دولت برای مقابله و کنترل تورم باید میزان عرضه کالاها را افزایش دهد. دولت به دو روش می‌تواند عرضه را افزایش دهد؛ روش اول آن است که ظرفیت‌های تولیدی را افزایش دهد؛ اما از آنجا که این روش معمولاً زمان‌بر است، دولت‌ها ترجیح می‌دهند از طریق افزایش واردات، بازار را تنظیم کنند.

(اقتصاد، تورم و کاهش قدرت خرید، صفحه ۱۰۳)

۳۰- گزینه «۳»

(مانند مسنی)

الف) استفاده از فلزات به‌عنوان پول، فعالیت‌هایی از قبیل دریانوردی و حمل و نقل را رونق بخشید.

ب) ساکنان تبت و ایران حاضر بودند کالاهای اضافی خود را به‌ترتیب با چای و غلات مبادله کنند.

ج) پشتوانه رسیده، طلا و نقره‌ای بود که نزد صرافان و بازرگانان نگهداری می‌شد.

(اقتصاد، تورم و کاهش قدرت خرید، صفحه‌های ۹۴ و ۹۵)

۳۱- گزینه «۲»

(موسا عفتی)

در امتحانات تشریحی، کمترین میزان نشانه‌های بازیابی در اختیار فرد قرار داده می‌شود و برعکس، در امتحانات چند گزینه‌ای، پاسخ سوالات در یکی از گزینه‌ها داده می‌شود و فرد تعداد زیادی نشانه در اختیار دارد.

(روان‌شناسی، حافظه و علل فراموشی، صفحه‌های ۱۰۳ تا ۱۰۵)

۳۲- گزینه «۲»

(فرهاد علی‌نژاد)

مراحل حافظه عبارت‌اند از: رمزگردانی، ذخیره‌سازی (اندوزش) و بازیابی. وقتی یک بیت شعر را تکرار می‌کنیم تا یاد بگیریم، در حال رمزگردانی آن هستیم (رد گزینه ۱). بعد از یادگیری، تا وقتی بخواهیم بیت را بازگو کنیم، در مرحله ذخیره‌سازی یا اندوزش هستیم. بازگرددن شعر نیز همان مرحله بازیابی است (رد گزینه ۴). در مرحله بازیابی ممکن است پدیده نوک‌زبانی اتفاق بیفتد (رد گزینه ۳).

(روان‌شناسی، حافظه و علل فراموشی، صفحه‌های ۹۱ تا ۹۴)

۳۳- گزینه «۳»

(کتاب آبی)

حافظه با توجه به نوع اطلاعات، به دو نوع رویدادی و معنایی تقسیم می‌شود. پاسخ به سؤال اول دربرگیرنده شکل‌گیری حافظه رویدادی است که به یک زمان و مکان مشخصی مربوط می‌شود؛ اما پاسخ به سؤال دوم دربرگیرنده دانش عمومی افراد است و در حیطه حافظه معنایی قرار می‌گیرد.

(روان‌شناسی، حافظه و علل فراموشی، صفحه‌های ۹۷ و ۹۸)

۳۴- گزینه «۳»

(مهرداد باهردی)

حافظه رویدادی براساس تجربه مشخصی است که به یک زمان و مکان مشخص مربوط می‌شود. «آخرین مبحث تدریس شده در کلاس ریاضی» با توجه به داشتن زمان و مکان مشخص مربوط به حافظه رویدادی است. همچنین حافظه معنایی مربوط به ذخیره دانش عمومی است که زمان و مکان مشخص ندارد؛ پس «انواع دنباله براساس رابطه بین جملات» مربوط به حافظه معنایی می‌شود.

(روان‌شناسی، حافظه و علل فراموشی، صفحه‌های ۹۷ و ۹۸)

۳۵- گزینه «۲»

(کتاب آبی)

- اولین فن روش پس‌خبا، پیش‌خوانی کردن مطالب است.
- منظور از ساماندهی مطالب، نظم‌بخشی، دسته‌بندی و قفسه‌بندی اطلاعات است.
- بسط معنایی به این معنا است که هرچه مثال‌های بیشتری مطرح شود، مفهوم مورد نظر بهتر از سایر مفاهیم در حافظه می‌ماند.

(روان‌شناسی، حافظه و علل فراموشی، صفحه‌های ۱۰۶ تا ۱۰۸)

۳۶- گزینه «۳»

(عمیدرضا توکلی)

نگهداری مطالب به مرحله «اندوزش» اطلاعات اشاره دارد. مرور اطلاعات از فراموشی اطلاعات جلوگیری می‌کند. گزینه‌های «۱» و «۴» به مرحله رمزگردانی و گزینه «۲» به مرحله بازیابی اشاره دارند.

(روان‌شناسی، حافظه و علل فراموشی، صفحه‌های ۱۰۵ تا ۱۰۹)

اقتصاد

۴۱- گزینه «۳»

(نسرین یعقوبی)

$cpi =$ برای یک ماه (یا یک سال) معین
هزینه سبد بازار در ماه (سال) قبل - هزینه سبد بازار در ماه (سال) معین
 $\times 100$
هزینه سبد بازار در ماه (سال) قبل

هزینه کالاها و خدمات مصرفی سبد خانوار در سال ۱۳۹۶ $x =$

$$20 = \frac{x - 1400}{1400} \times 100 \Rightarrow 20 = \frac{x - 1400}{14}$$

$$\Rightarrow 280 = x - 1400 \Rightarrow x = 1680 \text{ تومان}$$

(اقتصاد، تورم و کاهش قدرت خرید، صفحه ۱۱۰)

۴۲- گزینه «۴»

(مهرداد ضیائی)

بیکار کسی است که بالاتر از ۱۵ سال دارد و در جستجوی کار است؛ اما کاری برای خود پیدا نمی‌کند. بنابراین کسانی که دانش‌آموز و دانشجو هستند و یا بازنشسته و خانه‌دارند و دنبال کار نمی‌گردند، بیکار محسوب نمی‌شوند.

هم‌چنین طبق تعریف، کسانی را که از جستجوی شغل دلسرد شده‌اند بیکار محسوب نمی‌کنند!

(اقتصاد، رکود، بیکاری و فقر، صفحه‌های ۸۵ و ۸۶)

۴۳- گزینه «۳»

(سارا شریفی)

الف) در اقتصاد ایران، عامل «بی‌ثباتی در قیمت‌ها» بر بی‌ثباتی بازار کار و فعالیت اقتصادی اثر منفی قابل توجهی گذاشته است و یکی از عوامل مهم بیکاری و رکود به‌شمار می‌رود.

ب) دولت‌ها موظف‌اند از طریق «حمایت از شرکت‌های تولیدی» و «مبارزه با فساد»، با فقر و بیکاری مبارزه کنند.

(اقتصاد، رکود، بیکاری و فقر، صفحه ۹۰)

۴۴- گزینه «۴»

(نسرین یعقوبی)

الف)

$$100 \times \frac{\text{جمعیت بیکار ۱۵ ساله و بیشتر}}{\text{جمعیت فعال ۱۵ ساله و بیشتر}} = \text{نرخ بیکاری}$$

$$\text{درصد } 32 = \frac{11,277,000}{34,700,000} \times 100 = \text{نرخ بیکاری}$$

ب) چرا بیکاری را بیشتر از آنچه اعلام می‌شود، احساس می‌کنیم؟

* کسانی که از جستجوی شغل دلسرد شده‌اند، بیکار محسوب نمی‌شوند.

* همه کسانی را که به صورت پاره‌وقت مشغول به‌کارند شاغل به حساب می‌آورند، در حالی که آن‌ها در جستجوی شغل تمام وقت هستند و خود را شاغل به حساب نمی‌آورند.

* همه کسانی را که در غیر از زمینه تخصصی‌شان مشغول به کار و فعالیت باشند، شاغل محسوب می‌کنند.

* برخی افراد نیز ممکن است به دلایلی مانند اشتغال در بخش غیررسمی یا به امید بهره‌مندی از بیمه بیکاری و ... با مأموران آمارگیری درباره وضعیت شغلی خود با صداقت برخورد نکنند.

۳۷- گزینه «۳»

(فرهاد علی‌نژاد)

فراخوانی ارقام، تعداد ماده‌های اطلاعاتی است که می‌توانیم در حافظه کوتاه‌مدت ذخیره کنیم. این مفهوم نشان می‌دهد که ظرفیت حافظه کوتاه‌مدت بین ۵ تا ۹ ماده اطلاعاتی را در بر می‌گیرد.

تشریح سایر گزینه‌ها:

گزینه «۱»: فراخوانی ارقام به محدود بودن ظرفیت حافظه کوتاه‌مدت اشاره دارد.

گزینه «۲»: ایجاد فضای کار فعالیت جاری ذهن، مربوط به حافظه کاری است، در صورتی که فراخوانی ارقام مربوط به حافظه کوتاه‌مدت است.

گزینه «۴»: شخص می‌تواند ۲۰ رقم را در حافظه کوتاه‌مدتش ذخیره کند، اما به شرطی که این ۲۰ رقم را در قالب حداکثر ۹ گروه مرتب کند؛ مثلاً ارتباط‌هایی میان این ارقام ایجاد کند و آن‌ها را در ۹ دسته قرار دهد. به این ترتیب، اصل فراخوانی ارقام رعایت می‌شود.

(روانشناسی، حافظه و علل فراموشی، صفحه‌های ۹۶ و ۹۷)

۳۸- گزینه «۴»

تشریح گزینه‌های نادرست:

گزینه «۱»: حافظه ابزار است نه غایت.

گزینه «۲»: حافظه تماماً شبیه رایانه نیست و سعی در تعالی شناختی دارد.

گزینه «۳»: حافظه در نقش تأمین داده است نه پردازش داده‌ها.

(روانشناسی، حافظه و علل فراموشی، صفحه ۱۰۹)

۳۹- گزینه «۱»

(مهرداد یاهری)

تطبیق فنون بهسازی حافظه و عامل مؤثر بر فراموشی هدف گرفته شده:

فن بهسازی حافظه	عامل فراموشی هدف گرفته شده
بیان اهمیت مطالب	عدم رمزگردانی
پرهیز از هم‌زمانی چند فعالیت (توجه ناقص)	تداخل اطلاعات
مرور کارآمد	اثر گذشت زمان
کاهش فاصله زمانی بین یادگیری یک مطلب و یادآوری آن	اثر گذشت زمان
کاهش اثر تداخل (یادگیری عمیق)	تداخل اطلاعات
یادگیری با استراحت	تداخل اطلاعات
مطالعه چند حسی	تداخل اطلاعات
آزمون مکرر	مشکلات مربوط به نشانه‌های بازایی

(روانشناسی، حافظه و علل فراموشی، صفحه‌های ۱۰۵، ۱۰۶ و ۱۰۹)

۴۰- گزینه «۳»

(مهسا عفتی)

از آن‌جا که شکل‌گیری حافظه کاری، علاوه بر اثرپذیری از زمان، تابع میزان استفاده ما هم هست، بنابراین ظرفیت ذخیره‌سازی و زمان بازایی اطلاعات، برخلاف حافظه کوتاه‌مدت، می‌تواند بیشتر باشد.

(روانشناسی، حافظه و علل فراموشی، صفحه ۹۷)

در این سطح از دستمزد به دلیل پایین بودن آن، مؤسسات و بنگاه‌ها تمایل زیادی به استخدام نیروی کار دارند ولی نیروی کار حاضر به استخدام با این سطح از دستمزد نیست، در نتیجه کارفرمایان مجبور می‌شوند سطح دستمزد را افزایش دهند، در این حالت تمایل افراد برای استخدام نیز افزایش می‌یابد. دستمزد تا رسیدن به سطح دستمزد تعادلی افزایش می‌یابد.
(اقتصاد، رکود، بیکاری و فقر، صفحه‌های ۸۶ و ۸۷)

۴۸- گزینه «۳»
(سارا شریفی)
زمانی که اقتصاد کشور گرفتار تورم می‌شود، برای پیشگیری از افزایش قیمت‌ها یا کاهش سرعت آن، بانک مرکزی سیاست کاهش نقدینگی یا همان کاهش حجم پول در گردش (سیاست پولی انقباضی) را به کار می‌گیرد.
بانک مرکزی می‌تواند با فروش اوراق مشارکت به‌طور مستقیم از مقدار نقدینگی در دست مردم بکاهد.

(اقتصاد، تورم و کاهش قدرت خرید، صفحه ۱۰۳)

۴۹- گزینه «۳»
(سارا شریفی)
الف) در فقر نسبی، تعریف فقر نسبت به وضعیتی که در آن هستیم صورت می‌گیرد و در نتیجه معیار فقر در مناطق و زمان‌های مختلف متفاوت است.
ب) با توجه به تعریف فقر نسبی، محاسبه تعداد افراد فقیر بسیار سخت، پیچیده و شاید ناممکن است. در نتیجه مفهوم فقر مطلق به کار گرفته می‌شود.
ج) در شاخص فقر مطلق، ارزش دلار از طریق روش برابری قدرت خرید محاسبه می‌شود.
د) می‌توان میزان تولید ناخالص داخلی یا درآمد سرانه کشورها را معیاری برای رتبه‌بندی کشورها از نظر فقر، در نظر گرفت.

(اقتصاد، رکود، بیکاری و فقر، صفحه ۸۹)

۵۰- گزینه «۲»
(سارا شریفی)
زمانی که اقتصاد کشور دچار تورم می‌شود، برای پیشگیری از افزایش قیمت‌ها یا کاهش سرعت آن، بانک مرکزی سیاست کاهش نقدینگی یا همان کاهش حجم پول در گردش را به کار می‌گیرد.
بانک مرکزی می‌تواند با اعمال سیاست بازار باز (= فروش اوراق مشارکت):
(در این روش بانک مرکزی می‌تواند با فروش اوراق مشارکت به مردم به‌طور مستقیم از مقدار پول در دست مردم بکاهد.) تورم را کنترل و نقدینگی در گردش را کاهش دهد.

در حالت رکود اقتصادی که سطح تولید کاهش و بیکاری افزایش می‌یابد. بانک مرکزی سیاست افزایش نقدینگی در گردش را به کار می‌گیرد. بانک مرکزی می‌تواند با خرید اوراق مشارکت در دست مردم به‌طور مستقیم نقدینگی را به جامعه تزریق کند.

(اقتصاد، تورم و کاهش قدرت خرید، صفحه ۱۰۳)

* مجموعه این دلایل سبب می‌شود که نرخ بیکاری از مقدار واقعی‌اش فاصله داشته باشد. ولی در هر صورت نرخ بیکاری بهترین سنجش برای مشخص شدن وضعیت بیکاری در جامعه است.

ج) عرضه‌کننده نیروی کار، همان کارگرانی هستند که با نیروی بدنی و یا فکری خود، محصول یا خدمتی را تولید می‌کنند و حاضرند کار خود را در اختیار تقاضاکنندگان قرار دهند. تقاضاکنندگان نیروی کار، صاحبان شرکت‌ها و کارخانه‌ها یا سرمایه‌گذارانی هستند که نیروی کار را استخدام می‌کنند و گاهی در اقتصاد به آن‌ها کارفرما هم می‌گویند.

(اقتصاد، رکود، بیکاری و فقر، صفحه‌های ۸۵ و ۸۶)

۴۵- گزینه «۱»
تشریح موارد نادرست:

الف) امروزه پول‌های فلزی، کاغذی، تحریری و الکترونیکی که در دست افراد یا در حساب آن‌هاست، پشتوانه‌ای جز قدرت اقتصادی کشور ندارد.
ب) نقش اصلی پول در مبادلات، آسان‌سازی مبادله است.

(اقتصاد، تورم و کاهش قدرت خرید، صفحه‌های ۹۷ و ۹۸)

۴۶- گزینه «۳»

$$100 \times \frac{\text{سطح قیمت قبلی} - \text{سطح قیمت جدید}}{\text{سطح قیمت قبلی}} = \text{تورم}$$

$$B = \frac{748,120 - 634,000}{634,000} \times 100$$

$$= 0.18 \times 100 = 18 \text{ درصد}$$

$$\Rightarrow B = 18 \text{ درصد} = \text{تورم کالای } C = \text{تورم کالای } A$$

$$A \Rightarrow 0.18 = \frac{66,552 - x}{x} \Rightarrow 0.18x = 66,552 - x$$

$$\Rightarrow 1.18x = 66,552 \Rightarrow x = \frac{66,552}{1.18} = 56,400$$

$$C \Rightarrow 0.18 = \frac{y - 95,400}{95,400} \Rightarrow 17,172 = y - 95,400$$

$$\Rightarrow y = 112,572$$

(اقتصاد، تورم و کاهش قدرت خرید، صفحه ۱۰۱)

۴۷- گزینه «۱»

الف) در سطح دستمزد ۳/۵ میلیون تومان، بازار به تعادل می‌رسد و تمامی ۳۰ نفر متقاضی کار به استخدام در می‌آیند. یعنی دستمزد درخواستی نیروی کار برای اشتغال با دستمزد پرداختی از سوی کارفرما برابر است.

ب) در سطوح دستمزد بالاتر از دستمزد تعادلی (۴ میلیون تومان) بازار دارای مازاد عرضه است.

تعداد زیادی از افراد حاضر به کار در این سطح دستمزد هستند ولی کارفرمایان تمایلی به استخدام این تعداد از افراد با این سطح دستمزد ندارند. در نتیجه چون گروهی از افراد بیکار هستند، حاضرند با سطح دستمزد پایین‌تری کار را انجام دهند، در نتیجه دستمزد تا سطح رسیدن به دستمزد تعادلی پایین می‌آید.

ج) در سطوح دستمزد پایین‌تر از دستمزد تعادلی (۲ میلیون تومان) بازار با مازاد تقاضا روبه‌رو است.

علوم و فنون ادبی (۳) و (۱)

۵۱- گزینه «۳»

(مجتبی فرهادی)

طبق نظریه ارسطو نام‌گذاری «سبک حماسی» براساس موضوع و نوع و «سبک فکاهی» براساس هدف است.

(علوم و فنون ادبی (۱)، سبک‌شناسی و تاریخ ادبیات، صفحه‌های ۶۰ تا ۶۲، ۶۴ و ۶۵)

۵۲- گزینه «۳»

(مجتبی فرهادی)

سه مورد نادرست است.

ب) دشمنی با استعمار و استبداد یکی از موضوعاتی بود که در نثر روزنامه‌ای بسیار مورد توجه قرار گرفت.

ج) نگرش شاعران و نویسندگان نسبت به جهان بیرون، از کلی‌نگری و ذهنیت‌گرایی به جزئی‌نگری و عینیت‌گرایی تغییر کرد.

د) در نثر این دوره واژه‌ها و ترکیب‌های عربی ناآشنا کمتر می‌شوند.

(علوم و فنون ادبی (۳)، سبک‌شناسی، صفحه‌های ۴۳ تا ۴۶)

۵۳- گزینه «۳»

(مجتبی فرهادی)

تشریح گزینه‌های نادرست:

گزینه «۱»: نثر در دوران مشروطه با هدف تأثیر بر عامه مردم گسترش یافت.

گزینه «۲»: نثر فارسی از آغاز سلطنت ناصرالدین‌شاه به سمت سادگی و روانی پیش رفت.

گزینه «۴»: اکثر نویسندگان این دوره، داستان را مطابق ذوق عامه مردم می‌نوشتند.

(علوم و فنون ادبی (۳)، سبک‌شناسی، صفحه‌های ۴۵ و ۴۶)

۵۴- گزینه «۴»

(عزیز الیاسی‌پور)

در بیت گزینه «۴»، شکوه از اوضاع زمانه (اینکه اکثر افراد بی‌دردند و لایق شنیدن شکوه‌های شاعر نیستند) و غم‌گرایی دیده می‌شود که از ویژگی‌های سبک خراسانی نیست.

در گزینه «۱» روح نشاط و خوش‌باشی، در گزینه «۲» پند و اندرز ساده و عملی و در گزینه «۳» توصیفات طبیعی و عینی از ویژگی‌های سبک خراسانی هستند.

(علوم و فنون ادبی (۱)، سبک‌شناسی، صفحه ۶۳)

۵۵- گزینه «۲»

(فرهاد فروزان‌کیا)

این بیت از صائب تبریزی است و مضمون‌سازی صائب با استفاده از تخم سوخته (که امکان رشد ندارد)، نشان از شعر سبک هندی دارد.

ویژگی‌های شعر دوره بیداری در سایر ابیات:

گزینه «۱»: آوردن واژگان فرنگی (پارلمان - کنگره به معنای مجلس) گزینه «۳»: نوآوری در عرصه تخیل (تشبیه روشنایی شب به فکرهای عرفانی)؛ از ایده‌آل اثر میرزاده عشقی

گزینه «۴»: استفاده از لغت کهن (نژند)؛ شعر از بهار است که از شاعران سنت‌گرای این عصر بود. ضمناً در این بیت مضمون «وطن» به کار رفته است که از ویژگی‌های فکری عصر بیداری است.

(علوم و فنون ادبی (۳)، سبک‌شناسی، صفحه‌های ۴۲ تا ۴۴)

۵۶- گزینه «۴»

(سیدعلیرضا امیری)

«دست جود» و «پای قدرت» اضافه اقترانی است و بیت دارای موازنه است.

(دست- پای / جودت- قدرت / جهان- فلک / همی- همی / بخشد- ساید)

بررسی سایر گزینه‌ها:

گزینه «۱»: موازنه: هم- هم / عقل- شرع، دویده- خزیده / در- در / رکابت- پناهت / استعاره: دویدن عقل و خزیدن شرع استعاره و تشخیص می‌باشند.

گزینه «۲»: دامن آفاق: اضافه استعاره / موازنه: از- وز / عکس- یاد / رخت- لب / دامن- خاطر / آفاق- عشاق / گلستان- طربناک

گزینه «۳»: گوش چرخ: تشخیص و استعاره / موازنه: ز- ز / آب- بانگ / دیده- ناله / من- من / فرش- گوش / خاک- چرخ / تر- کر / می‌شد- می‌گشت

(علوم و فنون ادبی (۱) و (۲)، بیان و بریع، ترکیبی)

۵۷- گزینه «۳»

(مفسن اصغری)

کلمات دو مصراع دارای سجع‌های متوازن و متوازی هستند، به جز دو کلمه آخر مصراع‌ها. پس موازنه دیده نمی‌شود.

ماه نو: استعاره از معشوق - باغ: استعاره از محفل

سیب می: تشبیه (شراب به سیب تشبیه شده است)

تشریح گزینه‌های دیگر:

گزینه «۱»: این بیت موازنه و تشبیه ندارد. (استعاره و تشخیص دارد: عقل و عشق گوید)

گزینه «۲»: این بیت استعاره ندارد. (موازنه و تشبیه دارد؛ تشبیه: زنجیر دو زلف)

گزینه «۴»: این بیت استعاره ندارد. (موازنه و تشبیه دارد؛ تشبیه: مصر مملکت و بحر سلطنت)

(علوم و فنون ادبی (۱) و (۲)، بیان و بریع، ترکیبی)

۵۸- گزینه «۴»

(کاظم کاظمی)

ترصیع: مقابل هم قرار گرفتن سجع‌های متوازی یا تقابل کلمات هم‌وزن در هر دو مصراع که در حرف (حروف) پایانی نیز مشترک هستند.

تلمیح: اشاره به «ستار العیوب و علام الغیوب» و «تعزّ من تشاء و تذلّ من تشاء»

تشریح گزینه‌های دیگر:

گزینه «۱»: موازنه دارد، اما ترصیع و تلمیح ندارد.

گزینه «۲»: موازنه و تلمیح دارد، اما ترصیع ندارد.

گزینه «۳»: ترصیع دارد، اما تلمیح ندارد.

(علوم و فنون ادبی (۱) و (۳)، بریع لفظی و معنوی، ترکیبی)

۵۹- گزینه «۳»

(سپار غلام‌پور)

تشبیه: (۱) موی میان (۲) دو زلف به افعی ضحاک (۳) چهره به جام جم

تلمیح: اشاره به داستان ضحاک ماردوش و هم‌چنین جام جهان‌نمای جمشید

بررسی سایر گزینه‌ها:

گزینه «۱»: تشبیه: زلیخامشربان / تلمیح: به داستان حضرت یوسف (ع) اشاره دارد.

گزینه «۲»: تشبیه: (۱) مرغ دل: اضافه تشبیهی / (۲) دام زلف: اضافه تشبیهی / (۳) دانه خال: اضافه تشبیهی / (۴) طایر اندیشه: اضافه تشبیهی / (۵) دام هوس: اضافه تشبیهی / این بیت فاقد تلمیح می‌باشد.

گزینه «۴»: تشبیه: هر سوخته‌جانی که عقیق (لب) تو را مکیده، اگر چون «خضر» به هر جا پا نهد، آن‌جا سبز می‌شود. (تشبیه «سوخته‌جان» به «خضر») / تلمیح: اشاره به «ماجرای حضرت خضر (ع) که به هر جا قدم می‌نهاد، آن‌جا سرسبز و باطراوت می‌شد.»

(علوم و فنون ادبی (۲) و (۳)، بیان و بریع، ترکیبی)

۶۰- گزینه «۳»

(مفسر اصغری)

الف) تلمیح دارد به داستان حضرت خضر که با نوشیدن آب بقا جاودانه شد.
ب) تلمیح ندارد.

ج) به داستان منصور حلاج و به دار آویخته شدن او اشاره دارد.

د) به داستان کوه کندن فرهاد از داستان «خسرو و شیرین» اشاره دارد.

ه) به داستان حضرت ابراهیم که آتش بر او گلستان شد، اشاره دارد

(علوم و فنون ادبی (۳)، بدیع معنوی، صفحه‌های ۳۱ تا ۳۳)

۶۱- گزینه «۴»

(کاکم کاظمی)

تضمین: سیف فرغانی مصراع دوم را از بیت زیر، سروده سعدی، تضمین کرده است:

خون سعدی است نصیحت چه کند گر نکند / مشک دارد نتواند که کند پنهانش

استعاره: مشک ← شعر و سخن ارزشمند

بررسی سایر گزینه‌ها:

گزینه «۱»: تضمین: سیف فرغانی مصراع دوم را از بیت زیر از سعدی تضمین کرده است:

«دوست دارم که بپوشی رخ همچون قمرت / تا چو خورشید نبیند به هر بام و دَرّت»

(استعاره: ندارد)

گزینه «۲»: تضمین: سیف فرغانی مصراع دوم را از بیت زیر، سروده سعدی تضمین کرده است:

«بگذار تا بگیرم چون ابر در بهاران / کز سنگ ناله خیزد روز وداع یاران»
(استعاره مصرحه: ندارد؛ توجه: استعاره موجود در این بیت، مکنیه است)

گزینه «۳»: تضمین: شهریار مصراع دوم را از بیت زیر از حافظ تضمین کرده است:

«منم که شهره شهرم به عشق ورزیدن / منم که دیده نیالوده‌ام به بد دیدن»
(استعاره: ندارد)

(علوم و فنون ادبی (۲) و (۳)، بیان و بدیع، ترکیبی)

۶۲- گزینه «۳»

(یاسین مهریان)

این بیت، فاقد تناسب (مراعات نظیر) است.

توجه داشته باشید که «دور» در این بیت، در معنای «روزگار» به کار رفته است و معنای ثانویه آن که «گردش جام شراب» است، در این بیت کاربرد ندارد و می‌تواند با واژه «جام»، ایهام تناسب به وجود آورد؛ نه «تناسب».

تشریح سایر گزینه‌ها:

گزینه «۱»: بین «امروز» و «فردا» تناسب وجود دارد. (توجه داشته باشید که بین «امروز» و «فردا»، تضادی وجود ندارد).

گزینه «۲»: بین «مسجد» و «خدا» تناسب وجود دارد.

گزینه «۴»: در ادبیات پارسی، «بلبل» نماد عاشق و «گل» نماد معشوق است که با یکدیگر تناسب دارند.

(علوم و فنون ادبی (۳)، بدیع معنوی، صفحه‌های ۲۹ و ۳۰)

۶۳- گزینه «۳»

(سیدعلیرضا احمدی)

«جام باده، [مانند] کشتی است»، «غم [مانند] بحر پر موج»: تشبیه / تلمیح ندارد. «کشتی و موج و بحر»: مراعات نظیر دارند.

بررسی سایر گزینه‌ها:

گزینه «۱»: «یوسف و زلیخا»: مراعات نظیر / اشاره به داستان حضرت یوسف (ع): تلمیح / «یوسف‌صفت»: تشبیه

گزینه «۲»: «خاک، باد، آب، آتش»: مراعات نظیر / «آب حیوان»: اشاره به آب حیات که در ظلمات است: تلمیح / «آتش عشق»: اضافه تشبیهی
گزینه «۴»: «غنچه به عیسی، شاخ به مهد، گل به مریم، خاموشی به مهر»: تشبیه / «اشاره به داستان حضرت عیسی (ع): تلمیح / «گل و غنچه و شاخ»: تناسب

(علوم و فنون ادبی (۲) و (۳)، بیان و بدیع، ترکیبی)

۶۴- گزینه «۴»

(سپار غلام‌پور)

تشریح سایر گزینه‌ها:

گزینه «۱»: اشاره به داستان حضرت آدم و اخراج او از بهشت به‌خاطر خوردن میوه ممنوعه دارد.

گزینه «۲»: اشاره به داستان منصور حلاج دارد.

گزینه «۳»: ید بیضا اشاره به نورانی شدن دست حضرت موسی (ع) دارد.

(علوم و فنون ادبی (۳)، بدیع معنوی، صفحه‌های ۳۱ تا ۳۳)

۶۵- گزینه «۳»

(سیدعلیرضا احمدی)

گزینه «۳»: فعلاتن فعلاتن فعلن (۱۴هجا)

تشریح سایر گزینه‌ها:

گزینه «۱»: فعولن فعولن فعولن فعل (۱۰هجا)

گزینه «۲»: مفاعیلن مفاعیلن فعولن (۱۱هجا)

گزینه «۴»: فعلاتن فعلاتن فعلن (۱۳هجا)

(علوم و فنون ادبی (۱)، موسیقی شعر، صفحه‌های ۶۹ و ۷۰)

۶۶- گزینه «۳»

(سپار غلام‌پور)

الگوی صورت سؤال و بیت گزینه «۳» بر وزن «فاعلاتن فاعلاتن فاعلن» می‌باشند.

تشریح سایر گزینه‌ها:

گزینه «۱»: فاعلاتن فاعلاتن فاعلن

گزینه «۲»: فاعلاتن فاعلاتن فاعلاتن

گزینه «۴»: فعلاتن فعلاتن فعلاتن

(علوم و فنون ادبی (۱)، موسیقی شعر، صفحه‌های ۶۹ و ۷۰)

۶۷- گزینه «۳»

(مجتبی فرهادی)

تقطیع هجایی یک مصراع از بیت صورت سؤال و یک مصراع از بیت گزینه «۳»:

گو	یَم	ب	ت	نا	م	آن	ش	کر	لَب
-	-	U	U	-	U	-	U	-	-
هر	گُل	ک	ز	خا	ک	مَن	ب	رو	یَد
-	-	U	U	-	U	-	U	-	-

تشریح گزینه‌های دیگر:

گزینه «۱»: ---U/U---/---U/U---

گزینه «۲»: ---U/-U-U/U---

گزینه «۴»: ---U/U---U/U---U/U---

(علوم و فنون ادبی (۱)، موسیقی شعر، صفحه‌های ۶۹ و ۷۰)

۶۸- گزینه «۴»

(کنکور قاجار از کشور ۱۱۴۰)

ابیات گزینه‌های ۱، ۲ و ۳ در پی بیان این نکته‌اند که عبادت، تضرع و گریه و زاری نیمه‌شب و سحرگاه به درگاه خداوند، تأثیر خود را می‌گذارد و برای انسان قبول درگاه الهی، دفع بلا و ارزشمندی را به همراه دارد.

در بیت گزینه «۴»، حافظ شوق لب معشوق را دلیل ازباده‌بردن ورد سحرگاه (عبادت سحرگاهی) و درس شبانه می‌داند.

(علوم و فنون ادبی (۳)، مفهومی، صفحه ۳۸)

۶۹- گزینه ۳»

(کنکور سراسری ۹۱، با تغییر)
مفهوم مشترک ابیات گزینه‌های «۱»، «۲» و «۴»: توصیه به راستی و صداقت و نکوهش دورویی و ریا و آوردن تمثیل‌هایی مانند صبح نخستین (اوایل صبح - هوای گرگ و میش) برای پرورش این مفهوم
مفهوم بیت گزینه «۳»: ستایش نیرومندی و نکوهش تنبلی و سستی
(علوم و فنون ادبی (۱)، مفهوم، صفحه ۶۷)

۷۰- گزینه ۲»

(کنکور خارج از کشور ۹۸)
در بیت صورت سؤال و بیت گزینه «۲»، شاعر به کسی که از کاروان همراهان بازمانده است، هشدار می‌دهد که در غفلت نماند و خود را به آن‌ها برساند.
(علوم و فنون ادبی (۳)، مفهوم، صفحه ۳۶)

علوم و فنون ادبی (۲)

۷۱- گزینه ۴»

(یاسین موریان)
«د»: «بیدل دهلوی» را به سبب سرودن غزل‌های خیال‌انگیز و به کار بردن مضمون‌های بدیع و گاه دور از ذهن می‌شناسیم.
«الف»: سبک شعر «وحشی بافقی» حد واسطه سبک دوره عراقی و دوره بعد، یعنی سبک هندی است.
«ب»: برخی از تکبیت‌های غزل «صائب»، شاهکارهایی از ذوق و اندیشه‌اند و بسیاری از آن‌ها، به صورت ضرب‌المثل رواج یافته‌اند.
«ج»: ضرب‌المثل‌ها و الفاظ محاوره که زبان غزل این دوره را به افق خیال عامه نزدیک کرده، سخن «کلیم» را برجسته ساخته است.
(علوم و فنون ادبی (۲)، تاریخ ادبیات و سبک‌شناسی، صفحه‌های ۶۰ و ۶۱)

۷۲- گزینه ۳»

(سیرعلیرضا علویان)
اصفهان به عنوان پایتخت ادبی و محل اجتماع شعرا و فضلا در دوره سبک هندی (هم‌زمان با رشد و پیشرفت ادبیات در هند) به شمار می‌رفت.
(علوم و فنون ادبی (۲)، تاریخ ادبیات، صفحه ۵۹)

۷۳- گزینه ۲»

(کتاب آبی)
شاعران این دوره (از جمله مکتب وقوع) تشخیص داده بودند که در شعر باید به سمت واقع‌گویی و حقیقت‌گویی گام بردارند. نمود این واقع‌گرایی در عشق، گلایه و تندی با معشوق است که در گزینه «۲» دیده می‌شود.
(علوم و فنون ادبی (۲)، سبک‌شناسی، صفحه‌های ۵۸ و ۵۹)

۷۴- گزینه ۳»

(مجتبی فرهادی)
بیت فاقد استعاره است. («پای گریز» و «دست دعا»: اضافه اقترانی)
تشریح گزینه‌های دیگر:
گزینه «۱»: «طاووس آتشین‌پر»: استعاره از خورشید
گزینه «۲»: «آتشین‌سیما بودن خس»: تشخیص و استعاره
گزینه «۴»: «طلوع باده»: اضافه استعاری (باده به آفتابی تشبیه شده است که طلوع دارد).
(علوم و فنون ادبی (۲)، بیان، صفحه‌های ۷۱ تا ۷۶)

۷۵- گزینه ۴»

(مفسن اصغری)
«دامان فلک» ترکیب اضافی (اضافه استعاری) و تشخیص است.
تشریح گزینه‌های دیگر:
گزینه «۱»: «پایه نظم» ترکیب اضافی و اضافه استعاری غیرتشخیص است.
گزینه «۲»: «غنچه خندان» ترکیب وصفی و تشخیص است. گل خندان، استعاره مصرحه از معشوق است.
گزینه «۳»: «خوان وصل» اضافه تشبیهی و «دست ارادت» اضافه اقترانی است.
(علوم و فنون ادبی (۲)، بیان، صفحه ۷۴)

۷۶- گزینه ۳»

(سیرعلیرضا احمدی)
در گزینه «۳»، همه ترکیب‌ها، ترکیب اضافه تشبیهی هستند.
بررسی سایر گزینه‌ها:
گزینه «۱»: چشم امید: اضافه اقترانی است و باقی ترکیب‌ها اضافه تشبیهی می‌باشند.
گزینه «۲»: بال‌های باد: اضافه استعاری است و باقی ترکیب‌ها اضافه تشبیهی می‌باشند.
گزینه «۴»: دیده منت: اضافه اقترانی است و باقی ترکیب‌ها اضافه تشبیهی می‌باشند.
نکته مهم درسی:
اضافه اقترانی، ترکیب اضافی است که در اغلب موارد، مضاف عضوی از بدن است و مضاف‌الیه یک مفهوم ذهنی است. برای تشخیص اضافه اقترانی دو روش وجود دارد. اولی اینکه میان مضاف و مضاف‌الیه عبارت «به نشانه» اضافه کرد و دیگری این که اضافه اقترانی برعکس اضافه استعاری، عینیت دارد و توهمی نیست. مثل «دست ادب» که دیده می‌شود.
(علوم و فنون ادبی (۲)، بیان، ترکیبی)

۷۷- گزینه ۲»

(سیرعلیرضا احمدی)
در گزینه «۲»، «در رنجش» استعاره مکنیه از نوع غیرتشخیص است.
تشریح سایر گزینه‌ها:
گزینه «۱»: «دل چاک قلم»: تشخیص و استعاره مکنیه می‌باشد.
گزینه «۳»: «خون شقایق»: اضافه استعاری و دارای تشخیص است.
گزینه «۴»: «بازگویی ماجرای چشم شاعر به مردم توسط سرشک»: استعاره و تشخیص است.
(علوم و فنون ادبی (۲)، بیان، صفحه ۷۴)

۷۸- گزینه ۲»

(سیرعلیرضا احمدی)
«نامحرم بودن زبان» در بیت «الف» و «جنگ دل و عقل» در بیت «ه» تشخیص است.
توجه: خطاب قرار دادن «سرو» در بیت «ج» و «صنم» در بیت «د» تشخیص ندارد؛ چرا که هر دو استعاره مصرحه از یار هستند و طبیعتاً خطاب قرار دادن یار، فاقد تشخیص است.
(علوم و فنون ادبی (۲)، بیان، صفحه‌های ۷۳ و ۷۴)

۷۹- گزینه ۲»

(یاسین موریان)
این بیت، در وزن «فاعلاتن فاعلاتن فاعلاتن» سروده شده است که علاوه بر وزن‌واژه «فاعلاتن»، دارای وزن‌واژه «فاعلن» نیز می‌باشد.
تشریح سایر گزینه‌ها:
گزینه «۱»: وزن بیت، «فاعلاتن فاعلاتن فاعلاتن» است که فقط وزن‌واژه «فاعلاتن» در آن به کار رفته است.
گزینه «۳»: وزن بیت، «فعولن فعولن فعولن» است که تنها وزن‌واژه «فعولن» در وزن بیت وجود دارد.
گزینه «۴»: وزن بیت، «مستفعلن مستفعلن مستفعلن» است که فقط وزن‌واژه «مستفعلن» در آن به کار رفته است.
(علوم و فنون ادبی (۲)، موسیقی شعر، صفحه‌های ۶۳ تا ۶۶)

۸۰- گزینه ۳»

(سیدعلیرضا علویان)

وزن این بیت «فعولن فعولن فعولن» است، در حالی که سایر ابیات یک هجا کمتر دارند و در وزن «فعولن فعولن فعل» سروده شده‌اند. (علوم و فنون ادبی (۱)، موسیقی شعر، صفحه ۶۴)

علوم و فنون ادبی (۱)

۸۱- گزینه ۱»

(مجتبی فراهی)

الف) طبق نظریه ارسطو نام‌گذاری سبک تعلیمی براساس هدف بوده است و سبک فلسفی نیز براساس قلمرو دانشی نام‌گذاری شده است.

ب) تقسیم‌بندی شعر فارسی توسط بهار، بر مبنای حوزه جغرافیایی و تاریخی صورت گرفته است.

ج) چهارمین دوره نثر فارسی در تقسیم‌بندی بهار، دوره سبک عراقی است. (علوم و فنون ادبی (۱)، سبک‌شناسی، صفحه‌های ۶۰ و ۶۱)

۸۲- گزینه ۲»

(فرهاد علی‌نژاد)

در بیت «ب» توصیف بهار، زبان ساده و استفاده از شکل تاریخی فعل «بمگذر» نشان از سبک خراسانی دارند. در بیت «ج» لحن حماسی و زبان ساده و روان و در بیت «د» نیز استفاده از لغت کهن (مہتران) و سادگی زبان از ویژگی‌های سبک خراسانی‌اند.

تشریح دیگر ابیات:

الف) این بیت شامل مفاهیم عرفانی است که در سبک خراسانی هنوز باب نشده بودند.

ه) تعدد لغات عربی در این بیت، باعث می‌شود ویژگی‌های زبانی بیت با سبک خراسانی فاصله داشته باشد.

(علوم و فنون ادبی (۱)، سبک‌شناسی، صفحه‌های ۶۲ و ۶۳)

۸۳- گزینه ۲»

(سپار غلام‌پور)

در این گزینه آرایه ترصیع وجود دارد؛ چون واژه‌ها در این بیت یک به یک سجع متوازی دارند؛ یعنی علاوه بر وزن، حروف پایانی یکسانی دارند؛ اما سایر گزینه‌ها دارای آرایه موازنه می‌باشد و واژه‌ها دارای سجع متوازی و متوازن می‌باشند.

بررسی سایر گزینه‌ها:

گزینه ۱: «دل - جان / امید - هوا / روی - کوی / همدم - خدمت / جان - تن / نمی‌شود - نمی‌کند

گزینه ۳: «از - وز / رنج - درد / تمام - بلند / نیارم - نیارم / نهاد - کشید / پای - وای

گزینه ۴: «ما - ما / ز - ز / دریایم - بالایم / دریا - بالا / می‌رویم - می‌رویم

(علوم و فنون ادبی (۱)، برع لفظی، صفحه‌های ۷۳ و ۷۴)

۸۴- گزینه ۴»

(مفسن اصغری)

همه سجع‌های پدیدآورنده دو مصراع از نوع «متوازی» است:

اشارتی است ز بزمش سخاوت حاتم

↓ ↓ ↓ ↓ ↓

روایتی است ز رزمش شجاعت رستم

ابیات سایر گزینه‌ها دارای «موازنه» هستند.

(علوم و فنون ادبی (۱)، برع لفظی، صفحه‌های ۷۳ تا ۷۶)

۸۵- گزینه ۱»

(کاکظم کاظمی)

الف) موازنه: تقابل کلمات هم‌وزن در دو مصراع / تشبیه: مخاطب (ممدوح) شاعر در سخاوت به حاتم و در شجاعت به رستم تشبیه شده است.

د) موازنه: تقابل کلمات هم‌وزن در دو مصراع / تشبیه: نسیم رضا و سموم خلاف (اضافه تشبیهی)

تشریح سایر ابیات:

ب) تشبیه: ندارد. / موازنه: مقابل هم قرار گرفتن کلمات هم‌وزن

ج) تشبیه: ندارد. / موازنه: مقابل هم قرار گرفتن کلمات هم‌وزن

ه) تشبیه: قامت به سرو و رخ به ماه / موازنه: ندارد.

(علوم و فنون ادبی (۱)، بیان و برع، ترکیبی)

۸۶- گزینه ۳»

(مجتبی فراهی)

تقطیع هجایی موارد «الف، ج و ه» مطابق با الگوی هجایی صورت سؤال است.

تشریح گزینه‌های دیگر:

«ب»: U - - / - U - - / - U - - / - U - -

«د»: - U - / U - - / - - U - / U - -

(- - U - / - U - - / - - U - / - U - -)

(علوم و فنون ادبی (۱)، موسیقی شعر، صفحه‌های ۶۹ و ۷۰)

۸۷- گزینه ۳»

(سپار غلام‌پور)

گزینه ۳: «بر وزن «مستغفلن مستغفلن مستغفلن مستغفلن» می‌باشد.

بررسی سایر گزینه‌ها:

گزینه ۱: «مفتعلن فاعلن مفتعلن فاعلن

گزینه ۲: «مفتعلن مفتعلن مفتعلن مفتعلن

گزینه ۴: «فاعلاتن فاعلاتن فاعلاتن فاعلاتن

(علوم و فنون ادبی (۱)، موسیقی شعر، صفحه‌های ۶۹ و ۷۰)

۸۸- گزینه ۱»

(سیدعلیرضا علویان)

تعداد هجای کوتاه در گزینه ۱: پنج تا، در گزینه ۲: چهار تا، در گزینه ۳: سه تا و در گزینه ۴: چهار تا است.

تقسیم مصراع‌ها:

گزینه ۱: «(رو ز م را / مه ر ت رو / شَن کَ نَد)

گزینه ۲: «(ش بی بی / ت هر گز / ن گی ر د / ق رار)

گزینه ۳: «(سَن گر ب سن / گر د ر و / ن م جن گ کش / تا رست)

گزینه ۴: «(هر چ را بی / هو د پ ن دا / ری ن صی بت / می ش ود)

(علوم و فنون ادبی (۱)، موسیقی شعر، صفحه‌های ۶۷ تا ۷۰)

۸۹- گزینه ۲»

(کلکور سراسری ۹۵)

مفهوم مشترک ابیات، مناعت طبع و تأکید بر فدا نکردن ارزش‌های انسانی به پای صاحبان قدرت و افراد نااهل و بی‌ارزش است.

در بیت گزینه ۲، بر این موضوع تأکید شده است که وقتی چیز باارزش وجود دارد، کسی به دنبال امر بیهوده و بی‌ارزش نمی‌رود.

(علوم و فنون ادبی (۱)، مفهوم، ترکیبی)

۹۰- گزینه ۴»

(کتاب آبی)

بیت چهارم در مفهوم ترک خود و یافتن حیات جاویدان سروده شده که مفهومی کاملاً ذهنی و انتزاعی است.

تشریح گزینه‌های دیگر:

گزینه ۱: «توصیف گل‌های رنگارنگ

گزینه ۲: «توصیف مجلس بزم و شراب‌نوشی

گزینه ۳: «توصیف عشق زمینی

(علوم و فنون ادبی (۱)، مفهوم، صفحه ۶۳)

جامعه‌شناسی (۳)

۹۱- گزینه «۴»

(آزیتا بیرقی)

کشف نظم‌های پنهان و شگفت‌انگیز ← هنر آشنایی‌زدایی
قابل مشاهده بودن و امکان مطالعه با روش‌های کمی و آماری ←
پدیده‌های هم‌تغییر
توضیح دادن جامعه و نظم اجتماعی براساس مناسبات بیرونی ←
جامعه‌شناسی تبیینی
برداشت روزافزون از منابع تجدیدنپذیر ← تغییر در محیط توسط نظام
اجتماعی

(جامعه‌شناسی (۳)، نظم اجتماعی، صفحه‌های ۲۱، ۲۴ و ۲۵)

۹۲- گزینه «۲»

(آزیتا بیرقی)

پیامد یکسان‌انگاری طبیعت و جامعه بر جهان اجتماعی ← اداره جامعه با
قوانینی به استحکام قوانین طبیعت
ساختار اجتماعی ← در گروه‌های رسمی بهتر می‌توان دید.

نظم اجتماعی ← اتفاقات غیرمنتظره شما را از همکاری با دیگران باز
نمی‌دارد.

برجسته ساختن شباهت‌های جامعه و پدیده‌های اجتماعی ← موفقیت‌های
دانشمندان علوم طبیعی

(جامعه‌شناسی (۳)، نظم اجتماعی، صفحه‌های ۲۱، ۲۳، ۲۷ و ۲۹)

۹۳- گزینه «۱»

(آزیتا بیرقی)

عدم توان تغییر بنیادین در جامعه (پیامد) ← تلقی جامعه به‌عنوان واقعیتی
بیرونی (علت)

تضمین پیش‌بینی رفتارها با تطمیع، تهدید و اجبار (پیامد) ← برقراری نظم
مستقل از انسان‌ها (علت)

عادت به نظم اجتماعی (علت) ← پزشکی که بیماران خود را در مطب
منتظر می‌گذارد، بیشتر دیده می‌شود. (پیامد)

(جامعه‌شناسی (۳)، نظم اجتماعی، صفحه‌های ۲۰، ۲۱، ۲۸ و ۲۹)

۹۴- گزینه «۴»

(آزیتا بیرقی)

هرچه همبستگی اجتماعی بیشتر باشد، انحرافات کمتری به وجود می‌آید.
← تبیین

پدیده‌های اجتماعی همانند پدیده‌های طبیعی هستند. ← موضوع
جامعه‌شناسی تبیینی

افراد در زندگی روزمره از دید خود به مسائل نگاه می‌کنند ولی جامعه‌شناس
تلاش می‌کند به اعماق موقعیت اجتماعی نگاه کند. ← آشنایی‌زدایی

قواعد راه رفتن و رعایت آن‌ها ← نظم‌های پنهان زندگی

(جامعه‌شناسی (۳)، نظم اجتماعی، صفحه‌های ۲۰، ۲۱، ۲۵ و ۲۷)

۹۵- گزینه «۲»

(آزیتا بیرقی)

آشنایی‌زدایی یعنی از دید یک فرد غریبه به موضوعات مأنوس شده نگاه
کردن و در کنار بی‌نظمی، نظم را شناختن.

نظم اجتماعی توقعات و انتظارات ما از دیگران را مشخص می‌کند.

ساختار اجتماعی قواعد زندگی اجتماعی را با هم هماهنگ می‌کند.

جامعه‌شناسان در شناختن نظم اجتماعی به این پرسش‌ها توجه می‌کنند:

قواعد و هنجارهای با هم زندگی کردن چگونه به‌وجود می‌آیند؟ چگونه دوام

می‌آورند؟ چگونه تغییر می‌کنند؟

(جامعه‌شناسی (۳)، نظم اجتماعی، صفحه‌های ۲۰ تا ۲۳)

۹۶- گزینه «۳»

(آزیتا بیرقی)

نوع هدف جامعه‌شناسی تبیینی ← همانند هدف علوم طبیعی

اشتراک کنت و لمبروزو ← روش تبیینی

نوع تفاوت میان جوامع از دیدگاه تبیینی ← تفاوت کمی

ساختار اجتماعی پویا ← نظام اجتماعی

(جامعه‌شناسی (۳)، نظم اجتماعی، صفحه‌های ۲۴ و ۲۶ تا ۳۰)

۹۷- گزینه «۱»

(آزیتا بیرقی)

قواعد اجتماعی (علت) ← نظم اجتماعی (پیامد)

یکسان دانستن طبیعت و جامعه (علت) ← انسان به پیچ و مهره‌های نظم

اجتماعی تقلیل می‌یابد. (پیامد)

تأمین نیازهای نظام اجتماعی (علت) ← حفظ بلندمدت نظام اجتماعی

(پیامد)

نزدیک شدن جامعه‌شناسی به علوم طبیعی (علت) ← جامعه‌شناسی در

زمره دانش‌های ابزاری قرار می‌گیرد. (پیامد)

(جامعه‌شناسی (۳)، نظم اجتماعی، صفحه‌های ۲۱، ۲۴، ۲۶ و ۲۹)

۹۸- گزینه «۴»

(کتاب آبی)

تشریح عبارت نادرست:

افراد دارای قدرت تغییر ساختارهای موجود و حذف آن‌ها هستند.

(جامعه‌شناسی (۳)، کنش اجتماعی، صفحه‌های ۳۳ و ۳۵)

۹۹- گزینه «۱»

(فاطمه صفری)

اصطلاح جنگ‌های نامنظم را اولین بار شهید مصطفی چمران به کار برد و

روش‌های ویژه‌ای برای آن ابداع کرد. مقاومت مردم مسلمان آمرلی در برابر

داعش، نمونه‌ای بارز از جنگ‌های نامنظم است. در جنگ‌های نامنظم افراد از

نظم موجود پیروی نمی‌کنند بلکه از آن فراتر می‌روند و با ارزش‌ها و معانی

پیوند می‌خورند. سربازان جنگ‌های نامنظم به سبب انگیزه‌های اخلاقی و

آرمان‌های معنویشان، توانی فراتر از نظم موجود به‌دست می‌آورند. جنگ‌های

نامنظم مبتنی بر آگاهی فرهنگی و جغرافیایی سربازان محلی یک منطقه

است که قادرند در موقعیت بومی خود، با امکانات محدود حتی در برابر

تهاجم یک ارتش بزرگ نیز مقاومت کنند. سربازان جنگ‌های نامنظم معمولاً

نقشه‌های از پیش برنامه‌ریزی شده را اجرا نمی‌کنند، بلکه متناسب با

موقعیت خاص جغرافیایی و فرهنگی خود عمل می‌کنند.

(جامعه‌شناسی (۳)، کنش اجتماعی، صفحه‌های ۳۲ و ۳۳)

۱۰۰- گزینه «۳»

(کتاب آبی)

همه ما به عنوان افراد انسانی، از آن جا که عضوی از جامعه هستیم، توان حفظ وضع موجود یا تغییر آن را به واسطه کنش های خود داریم.
(جامعه شناسی (۳)، کنش اجتماعی، صفحه ۳۵)

جامعه شناسی (۱)

۱۰۱- گزینه «۴»

(آزیتا بیرقی)

الف) تأثیر جهان نفسانی بر جهان اجتماعی ← یک انسان باتقوا جهانی را تغییر می دهد.

ب) تأثیر جهان طبیعی بر جهان اجتماعی ← در شرایط اقلیمی متفاوت شیوه زندگی اجتماعی مردم متفاوت است.

ج) تأثیر جهان نفسانی بر جهان طبیعی ← برخی از بیماری های جسمانی با کمک قوای روانی درمان می شود.

(جامعه شناسی (۱)، هویت، صفحه ۶۸)

۱۰۲- گزینه «۱»

(آزیتا بیرقی)

جهان متجدد به تناسب هویت دنیوی خود با آن دسته از ویژگی های روانی و اخلاقی سازگار است که در ارتباط با آرمان ها و ارزش های دنیوی آن شکل می گیرند.

(جامعه شناسی (۱)، هویت، صفحه های ۶۹ تا ۷۳)

۱۰۳- گزینه «۲»

(آزیتا بیرقی)

بعضی ویژگی هایی هستند که در به دست آوردن آن ها نقشی نداریم، اما می توانیم با تلاش و کوشش خود آن ها را تغییر دهیم مانند منزلتی که از طریق خانواده مان به دست می آوریم و با کنش هایمان آن را تغییر می دهیم.

(جامعه شناسی (۱)، هویت، صفحه ۶۴)

۱۰۴- گزینه «۳»

(آزیتا بیرقی)

جوان ← انتسابی و متغیر
بچه شاه عبدالعظیم ← انتسابی و ثابت
کشاورز وقت شناس ← اکتسابی و متغیر
معلم ← متغیر و اجتماعی

(جامعه شناسی (۱)، هویت، صفحه های ۶۳ و ۶۴)

۱۰۵- گزینه «۴»

(فاطمه صفری)

به فرایندی که هر فرد برای مشارکت در زندگی اجتماعی دنبال می کند و مسیری که برای شکل گیری هویت اجتماعی افراد طی می شود، جامعه پذیری می گویند. برگزاری جشن تکلیف نمونه ای از جامعه پذیری در جامعه ایران برای شکل گیری هویت اسلامی افراد است.

فرد با آموزش های اساسی و ماندگاری که در خانواده می بیند، اولین و مهم ترین آشنایی ها را با جهانی که در آن متولد شده است، پیدا می کند.

هر جهان اجتماعی که روش های مناسبی برای کنترل اجتماعی نداشته باشد، در معرض آسیب های بیشتری قرار می گیرد؛ بازتولیدش با مشکل مواجه می شود و دوام و بقای آن تهدید می شود.

(جامعه شناسی (۱)، هویت، صفحه های ۷۶، ۷۸، ۸۰)

۱۰۶- گزینه «۴»

(فاطمه صفری)

بررسی گزینه ها:

گزینه «۱»: درست - درست

گزینه «۲»: نادرست (هرچه قدرت اقتناع یک فرهنگ بیشتر باشد، افراد کنش ها و اعمال متناسب با آن فرهنگ را بهتر انجام می دهند). - نادرست (شیوه غیررسمی تشویق و تنبیه که بیشتر در خانواده، همسالان یا به وسیله عموم افراد جامعه انجام می شود، آثار و نتایج عمیق تری نسبت به شیوه رسمی تشویق و تنبیه دارد).

گزینه «۳»: نادرست (شیوه غیررسمی تشویق و تنبیه بیشتر در خانواده، همسالان یا به وسیله عموم افراد جامعه انجام می شود). - درست

گزینه «۴»: درست - نادرست (امر به معروف و نهی از منکر در مواردی، همگانی و به عهده همه افراد جامعه است و در برخی موارد، وظیفه سازمان های رسمی و حکومتی است).

(جامعه شناسی (۱)، هویت، صفحه های ۷۹ و ۸۰)

۱۰۷- گزینه «۱»

(فاطمه صفری)

جهان اجتماعی پس از تولد هر فرد، بخشی از هویت اجتماعی او را تعیین می کند؛ یعنی آن فرد را به عنوان یکی از اعضای خود به رسمیت می شناسد و برای او ویژگی هایی متناسب با موقعیتی که در آن قرار گرفته است، در نظر می گیرد.

انتظارات جامعه از طریق الگوهای عمل یا همان هنجارها در حقوق و تکالیف مربوط به نقش های اجتماعی نمودار می شوند.

بازتولید هویت اجتماعی از طریق جامعه پذیری و کنترل اجتماعی انجام می شود.

(جامعه شناسی (۱)، هویت، صفحه های ۷۶، ۷۹ و ۸۱)

۱۰۸- گزینه «۳»

(ریحانه امینی)

- تغییرات هویتی افراد، گاه از مرزهای مورد قبول جهان اجتماعی فراتر می رود. اگر تغییرات هویتی بیرون از مرزهای مقبول جهان اجتماعی رخ دهد و شیوه هایی از زندگی را که با عقاید و ارزش ها در تقابل هستند به دنبال بیاورد، به تعارض فرهنگی منجر می شود.

- در همه کشورها رده بندی مشاغل وجود دارد ولی رده بندی در کشورهای مختلف یکسان نیست. برخی مشاغل در بعضی کشورها از اهمیت بیشتری برخوردارند و بالعکس. باید به یاد داشته باشیم که موقعیت اجتماعی افراد صرفاً تابع مشاغل آن ها نیست؛ بلکه به عوامل دیگری مانند علم، ایمان، تقوا، هنر، احترام و ... نیز بستگی دارد.

- در جوامع فئودالی غربی، موقعیت اجتماعی افراد به رابطه آن ها با زمین بستگی داشت.

- هر جامعه ای به تناسب عقاید و ارزش هایی که دارد، برخی تغییرات هویتی و تحرک های اجتماعی را تشویق و برخی دیگر را منع می کند.

(جامعه شناسی (۱)، هویت، صفحه های ۸۳، ۸۴، ۸۵ و ۸۷)

۱۰۹- گزینه «۴»

تشریح مورد نادرست:

(ریحانه امینی)

- علل بیرونی تعارض فرهنگی به تأثیرپذیری از جهان‌های اجتماعی دیگر بازمی‌گردد.
- کارمندی که از یک بخش به بخش دیگر اداره منتقل می‌شود، تحرک اجتماعی افقی دارد.
- تحرک اجتماعی گاه درون یک نسل (یک فرد در طول زندگی خودش) و گاه در دو نسل (یک فرد نسبت به والدینش) اتفاق می‌افتد.

(جامعه‌شناسی (۱)، هویت، صفحه‌های ۸۲ تا ۸۴ و ۸۷)

۱۱۰- گزینه «۱»

(کنکور سراسری ۱۴۰۰)

در جوامع فنودالی غربی، موقعیت اجتماعی افراد به رابطه آن‌ها با زمین بستگی داشت. برخی ارباب و گروهی رعیت بودند. در این جوامع، طبقه‌ای از مردم عادی هم وجود داشت که نه اشراف بود نه رعیت. به همین دلیل از آن‌ها به طبقه سوم یاد می‌شد. این طبقه هویت منفی و پست داشت و از نظر قانونی و اجتماعی از هیچ اهمیت و اعتباری برخوردار نبود؛ ولی به علت فواید و کارکردهایی که داشت، تحمل می‌شد.

(جامعه‌شناسی (۱)، هویت، صفحه ۸۴)

جامعه‌شناسی (۲)

۱۱۱- گزینه «۴»

(ریحانه امینی)

لیبرالیسم اولیه با تکیه بر شعار آزادی و به ویژه آزادی اقتصادی، راه استثمار را برای صاحبان ثروت باز کرد و عدالت را نادیده گرفت. به این ترتیب، نخستین چالش که چالش فقر و غناست، در کشورهای غربی شکل گرفت. مارکس در نیمه دوم قرن نوزدهم، لیبرالیسم اقتصادی را نقد کرد. از نظر او، حل چالش‌های جامعه سرمایه‌داری، فقط با یک انقلاب قابل حل بود.

(جامعه‌شناسی (۲)، پالاش‌های جهانی، صفحه‌های ۷۶، ۷۸ و ۷۹)

۱۱۲- گزینه «۱»

(ریحانه امینی)

لیبرالیسم اولیه، بیشتر رویکردی فردی و اقتصادی داشت و به حمایت و دستگیری از فقرا قائل نبود و روابط اجتماعی ارباب- رعیتی را در هم ریخت. از نظر مالتوس، کسانی که در فقر متولد می‌شوند، حق حیات ندارند. با این‌که مارکس و مارکسیست‌ها طبقه و نظام طبقاتی را محصول سرمایه‌داری می‌دانستند و به آن انتقاد داشتند، در کشورهای سوسیالیستی طبقه جدیدی براساس قدرت سامان یافت.

(جامعه‌شناسی (۲)، پالاش‌های جهانی، صفحه‌های ۷۶، ۷۷ و ۸۰)

۱۱۳- گزینه «۴»

تشریح مورد نادرست:

(ریحانه امینی)

لیبرالیسم قرن‌های هجدهم و نوزدهم را لیبرالیسم اولیه می‌نامند.
(جامعه‌شناسی (۲)، پالاش‌های جهانی، صفحه‌های ۷۶، ۷۹ و ۸۰)

۱۱۴- گزینه «۳»

تشریح مورد نادرست:

(ریحانه امینی)

بلوک شرق شامل کشورهای اروپای شرقی، شوروی سابق و چین و بلوک غرب شامل کشورهای اروپای غربی و آمریکا بود.

(جامعه‌شناسی (۲)، پالاش‌های جهانی، صفحه‌های ۷۶، ۸۰ و ۸۱)

۱۱۵- گزینه «۴»

تشریح مورد نادرست:

(ریحانه امینی)

چالش‌های جدید در بسیاری از موارد چندین صورت دارند؛ مثلاً برخی از آن‌ها در عین حال که اقتصادی یا اجتماعی‌اند، می‌توانند خرد یا کلان، مقطعی یا مستمر و ... نیز باشند.
- چالش بلوک شرق و غرب از نوع چالش‌هایی بود که درون یک فرهنگ و تمدن پدید می‌آید، نه از نوع چالش‌هایی که بین فرهنگ‌های مختلف، شکل می‌گیرد.

- اقتصاد قرون وسطی براساس روابط اجتماعی ارباب- رعیتی بود که در آن کشاورزان وابسته به زمین بودند و امکان جابه‌جایی نداشتند.

- دو قطب شرق و غرب با اینکه از نظر سیاسی، اقتصادی و جغرافیایی در دو بخش متمایز و جدا قرار می‌گرفتند، اما به فرهنگ واحدی تعلق داشتند.

(جامعه‌شناسی (۲)، پالاش‌های جهانی، صفحه‌های ۷۵ تا ۷۹ و ۸۱)

۱۱۶- گزینه «۳»

(ارغوان عبدالملکی)

طرف‌های درگیر دو جنگ، در قالب ایدئولوژی‌های ناسیونالیستی، لیبرالیستی و سوسیالیستی رفتار خود را توجیه می‌کردند و زمینه‌های فرهنگی این دو جنگ نیز ریشه در فرهنگ غرب داشت.

(جامعه‌شناسی (۲)، پالاش‌های جهانی، صفحه ۸۵)

۱۱۷- گزینه «۲»

(کتاب آبی)

نظریه جنگ تمدن‌های هانتینگتون، نظریه‌ای بود که عملیات نظامی قدرت‌های غربی را در قبال مقاومت‌های کشورهای غیرغربی توجیه می‌کرد.
(جامعه‌شناسی (۲)، پالاش‌های جهانی، صفحه ۸۶)

۱۱۸- گزینه «۱»

(ارغوان عبدالملکی)

دو اصطلاح استعمارگر و استعمارزده را نسبت به کشورهای غنی و فقیر، کسانی به کار می‌برند که چالش و نزاع بین این دو دسته کشور را به ابعاد اقتصادی محدود نمی‌کنند و به ابعاد فرهنگی آن نیز نظر دارند. از نظر این گروه، مشکل کشورهای فقیر تنها ضعف اقتصادی و صنعتی آن‌ها نیست؛ بلکه خودباختگی فرهنگی و الگوپذیری مقلدان آن‌ها از کشورهای صنعتی است.

(جامعه‌شناسی (۲)، پالاش‌های جهانی، صفحه ۸۹)

۱۱۹- گزینه «۱»

(ارغوان عبدالملکی)

کشورهای غربی، به ترتیب، چالش‌های درونی خود را از طریق بهره‌کشی اقتصادی از کشورهای غیرغربی حل می‌کنند و بحران‌های اقتصادی، جنگ‌ها و جبهه‌بندی‌های درونی خود را با سرمایه‌گذاری‌های مشترک و معاهدات بین‌المللی، مدیریت می‌کنند و از این طریق، انتقال ثروت از کشورهای پیرامون به مرکز را آسان می‌سازند.

(جامعه‌شناسی (۲)، پالاش‌های جهانی، صفحه‌های ۸۸ و ۸۹)

۱۲۰- گزینه «۱»

(ارغوان عبدالملکی)

چالش اصلی بعد از جنگ جهانی دوم، کشورهای غنی و فقیر بود و اصطلاحاتی نظیر کشورهای عقب‌مانده به این نکته اشاره دارد که کشورهای توسعه‌یافته الگوی کشورهای دیگرند.

(جامعه‌شناسی (۲)، پالاش‌های جهانی، صفحه ۸۸)

جامعه‌شناسی (۱)

۱۲۱- گزینه «۳»

(ریاضه امینی)

دانش‌آموز بودن: اکتسابی، اجتماعی، متغیر
راستگویی: اکتسابی، فردی، متغیر
ایرانی بودن: انتسابی، اجتماعی، ثابت
کارمند بودن: اکتسابی، اجتماعی، متغیر

(پایه‌شناسی (۱)، هویت، صفحه ۶۴)

۱۲۲- گزینه «۳»

(ریاضه امینی)

الف) بسیاری از بیماران سرطانی با مراجعه به روان‌شناس، امید خود را برای شکست بیماری به‌دست می‌آورند: تأثیر جهان نفسانی بر جهان جسمانی
ب) در نواحی گرمسیر، گرمی هوا، موجب استفاده مداوم مردم از کولرها می‌شود: تأثیر جهان طبیعی بر جهان اجتماعی
ج) در بسیاری از موارد فشارهای روانی، تأثیراتی چون درد معده را به دنبال دارند: تأثیر جهان نفسانی بر جهان جسمانی
د) جهان سکولار مانع بروز روحيات معنوی افراد می‌شود: تأثیر جهان اجتماعی بر جهان نفسانی

(پایه‌شناسی (۱)، هویت، صفحه ۶۸)

۱۲۳- گزینه «۲»

(نگار غلامی)

تشویق و تنبیه به دو صورت رسمی و غیررسمی انجام می‌شود.
جامعه‌پذیری مسیری است که برای تدوین و شکل‌گیری هویت اجتماعی افراد طی می‌شود.
اقتناع روشی است که به واسطه آن، فرهنگ در افراد درونی می‌شود.

(پایه‌شناسی (۱)، هویت، صفحه‌های ۷۶ و ۷۹)

۱۲۴- گزینه «۴»

(ارغوان عبدالملکی)

ما تردیدی نداریم که گاه در شناخت ویژگی‌های هویتی خود و دیگران دچار خطا و اشتباه می‌شویم. وجود نظریات متفاوتی که درباره هویت افراد داده می‌شود، نشانه این است که امکان خطا و اشتباه در شناخت هویت وجود دارد.

(پایه‌شناسی (۱)، هویت، صفحه‌های ۷۲ و ۷۳)

۱۲۵- گزینه «۳»

(نگار غلامی)

فرهنگ‌هایی از قدرت اقناعی بیشتری برخوردارند که ظرفیت منطقی و عقلانی بیشتری دارند و با فطرت آدمیان سازگارتر هستند.

(پایه‌شناسی (۱)، هویت، صفحه ۷۹)

۱۲۶- گزینه «۳»

(کتاب آبی)

در بخش «الف»، تحرک اجتماعی صعودی داریم؛ زیرا موقعیت شغلی فرد، ارتقا یافته است.

در بخش «ب»، تحرک اجتماعی افقی بیان شده است؛ زیرا تفاوتی در موقعیت اجتماعی یک لباس‌فروش و یک فروشنده لوازم خانگی وجود ندارد.
در بخش «ج»، تحرک اجتماعی نزولی اتفاق افتاده است؛ زیرا از اداره آموزش و پرورش یک استان به اداره آموزش و پرورش یک شهر رسیده است.

در بخش «د»، تحرک اجتماعی افقی وجود دارد؛ زیرا تفاوتی در جایگاه اجتماعی یک معلم جامعه‌شناسی و یک معلم فلسفه و منطق وجود ندارد.

(پایه‌شناسی (۱)، هویت، صفحه ۸۳)

۱۲۷- گزینه «۴»

(ارغوان عبدالملکی)

فرصت‌هایی که افراد در جهان‌های مختلف برای تحرک اجتماعی و کسب هویت‌های اجتماعی جدید دارند، یکسان نیست و هر جامعه به تناسب عقاید و ارزش‌هایی که دارد، برخی تغییرات هویتی و تحرکات اجتماعی را تشویق و برخی دیگر را منع می‌نماید. جهانی که بر مدار ارزش‌های دنیوی و این جهانی شکل می‌گیرد، تحرکات اجتماعی را در محدوده همان ارزش‌ها به رسمیت می‌شناسد.

تصحیح موارد نادرست:

گزینه «۱»: جامعه‌ای که براساس ارزش نژادی شکل گرفته، فقط برای یک نژاد خاص امکان تحرک اجتماعی صعودی را فراهم می‌کند.
گزینه «۲»: در جوامع سکولار، هویت دینی افراد نمی‌تواند بروز اجتماعی داشته باشد.

گزینه «۳»: در جهان معنوی هویت‌هایی که ابعاد معنوی و متعالی را نفی می‌کنند، به رسمیت شناخته نمی‌شوند.

(پایه‌شناسی (۱)، هویت، صفحه‌های ۸۵ و ۸۶)

۱۲۸- گزینه «۴»

(کتاب آبی)

در جوامع فئودالی غربی، موقعیت اجتماعی افراد به رابطه آن‌ها با زمین بستگی داشت. برخی ارباب و گروهی رعیت بودند. در این جوامع، طبقه‌ای از مردم عادی هم وجود داشت که نه اشراف بود نه رعیت. به همین دلیل از آن‌ها به طبقه سوم یاد می‌شد. این طبقه هویت منفی و پست داشت و از نظر قانونی و اجتماعی از هیچ اهمیت و اعتباری برخوردار نبود؛ ولی به علت فواید و کارکردهایی که داشت، تحمل می‌شد.

(پایه‌شناسی (۱)، هویت، صفحه ۸۴)

۱۲۹- گزینه «۳»

(ارغوان عبدالملکی)

شخصی که شغل خود را تغییر می‌دهد، در صورتی که شغل جدید موقعیت اجتماعی او را تغییر ندهد، تحرک اجتماعی افقی دارد. کارمندی که از یک بخش اداره به بخش دیگر انتقال پیدا می‌کند، تحرک اجتماعی افقی پیدا کرده است.

(پایه‌شناسی (۱)، هویت، صفحه ۸۳)

۱۳۰- گزینه «۲»

(ارغوان عبدالملکی)

اگر تغییرات هویتی در خارج از مرزهای مقبول جهان اجتماعی واقع شود و شیوه‌هایی از زندگی را که با عقاید و ارزش‌های اجتماعی در تقابل هستند به دنبال بیاورد، به تعارض فرهنگی منجر می‌شود که اضطراب و نگرانی‌های اجتماعی فراوانی به دنبال دارد.

(پایه‌شناسی (۱)، هویت، صفحه ۸۷)

عربی زبان قرآن (۳) و (۱)

۱۳۱- گزینه «۲»

(مرتضی کاظم شیروزی)
«يَضْرَبُ»: می‌زند (رد گزینه ۴) / «الأمثال»: مثل‌ها (رد گزینه‌های ۱ و ۴) / «للناس»: برای مردم / «لعلَّ»: شاید، امید است (رد گزینه ۳) / «يتذكرون»: یادآور شوند (رد گزینه ۱)؛ «پندگیرنده» به صورت اسم فاعل ترجمه شده درحالی که فعل عبارت مضارع است.

(ترجمه)

۱۳۲- گزینه «۱»

(بهروز هیدرکی)
«نكون»: باشم (رد گزینه ۳) / «نقاد»: ناقدان (رد گزینه ۴)؛ «از» اضافی است / «لا تأخذُ»: نمی‌گیرم (رد گزینه ۴)؛ «نباید بگیرم» نادرست است؛ «لا تأخذُ» فعل مضارع منفی است نه نهی / «كلَّما»: هر چه (رد گزینه ۲)؛ «كلَّ» ترجمه نشده است / «تسمعُ»: می‌شنویم (رد گزینه ۳) / «تفكرُ»: تفکر می‌کنیم (رد گزینه ۴)؛ همراه «باید» و به صورت فعل امر ترجمه شده است. در گزینه «۲»، «حتی» و در گزینه «۴»، «بلکه» اضافی هستند.

(ترجمه)

۱۳۳- گزینه «۴»

(سیره میا مؤمنی)
«ثقافة الشعوب المتقدمة»: فرهنگ ملت‌های پیشرفته (رد گزینه‌های ۱ و ۲) / «يُحسبُ»: (فعل مضارع مجهول) محسوب می‌شود، شمرده می‌شود (رد گزینه‌های ۱ و ۲) / «أن تُجربُ»: (فعل مضارع مجهول) تجربه شود (رد گزینه‌های ۱ و ۳) / «تجربة» مفرد است (رد گزینه ۳).

(ترجمه)

۱۳۴- گزینه «۴»

(ولی برهی - ابهر)
«اقتربوا للفلأحين»: به کشاورزان پیشنهاد دادند (رد گزینه ۱) / «لکی یحولوا»: تا تبدیل کنند (رد گزینه‌های ۲ و ۳) / «سهول» (جمع «سهل»): دشت‌هایی (رد گزینه‌های ۱ و ۲) / «صالحه للزراعة»: قابل کشت

(ترجمه)

۱۳۵- گزینه «۱»

(بهروز هیدرکی)
«معالم تاریخیة»: آثار تاریخی‌ای (رد گزینه‌های ۳ و ۴)؛ «معالم» مبتداست و در جای مناسب خود ترجمه نشده است. / «قد سجَّلتُ»: به ثبت رسانده است (رد گزینه ۲) / «قائمة التراث العالمي»: لیست میراث جهانی (رد گزینه ۳) / «تجذبُ»: جذب می‌کند (رد گزینه ۴)؛ «تجذبُ» فعل معلوم است. / «سنوياً»: سالانه، هر ساله (رد گزینه‌های ۳ و ۴)

(ترجمه)

۱۳۶- گزینه «۲»

تشریح سایر گزینه‌ها:

گزینه «۱»: در ترجمه کلمه تأکیدی «قطعاً» به کار رفته است در حالی که در عبارت عربی «إنَّ» وجود ندارد و نباید «أنَّ» (به معنی «که») را با آن اشتباه گرفت.

گزینه «۳»: «بکماء» به معنای (لال) است و «أحبال» نیز جمع است که به صورت مفرد ترجمه شده است.

گزینه «۴»: «واصلُ» به معنای «ادامه داد» است و «طریق» نیز ترجمه نشده است. ترجمه دقیق عبارت چنین است: پس از اینکه برادر آلفرد کشته شد، او با پشتکار، کار خود را در راه هدفش ادامه داد!

(ترجمه)

۱۳۷- گزینه «۳»

تشریح سایر گزینه‌ها:

گزینه «۱»: «یغرزُ» فعل مضارع مجهول به معنی «ترشح می‌شود» است. گزینه «۲»: «أعمالک صالحة»، با توجه به نکره بودن «صالحة»، ترکیب وصفی نیست، بلکه یک جمله اسمیه شامل مبتدا و خبر است و به صورت «کارهایت شایسته است» ترجمه می‌شود.

گزینه «۴»: در جمله «تُزین الطبيعة»، فعل «تُزین» مجهول است و «الطبیعة» نیز نائب فاعل آن و مرفوع است، بنابراین ترجمه صحیح آن به صورت «طبیعت آراسته می‌شود» است.

(ترجمه)

۱۳۸- گزینه «۲»

(علی مفسن زاده)
«می‌تواند»: تَسْتَطِيعُ (رد گزینه‌های ۱ و ۴) / «بدون حرکت دادن»: دون تحریک (رد گزینه ۳) / «جهت‌های مختلفی»: اتجاهاتٍ مُخْتَلِفَةٍ (رد گزینه ۴) / «چشمانش را ... بچرخاند»: تُدِيرُ عَیْنِیْهَا (عَیْنِیْهَا = عَیْنِینِ + ها) (رد گزینه‌های ۱ و ۳)

(ترجمه)

۱۳۹- گزینه «۳»

(ولی برهی - ابهر)
با توجه به معنا و مفهوم عبارت صورت سؤال (آیا سزای نیک، جز نیک است = سزای نیک فقط نیک است)، بیت گزینه «۳» که درباره نیک و احسان متقابل صحبت می‌کند، مفهوم مناسبی دارد.

(مفهوم)

۱۴۰- گزینه «۲»

(مرتضی کاظم شیروزی)
«خبر.....» نادرست است. «صغیر» صفت برای موصوف «جرم» است. توجه داشته باشید که اعراب صفت، همیشه تابع موصوف آن است. ضمیر «ک» در «آنک» اسم آن و «جرم» خبر حرف مشبهة بالفعل و مرفوع است.

(تفلیل صرفی و اعراب)

۱۴۱- گزینه «۴»

(مرتضی کاظم شیروزی)
کلمه «غیون» در اینجا مضاف‌الیه است نه صفت، و اعراب مضاف‌الیه جرّ است. (مضاف‌الیه مجرور است؛ یعنی دارای علامت بِ، ین یا ین است.) همچنین توجه داشته باشید که «غیون» جمع مکسر است، «ون» جزئی از خود کلمه است و اعراب آن به حرکت است نه بالواو.

(تفلیل صرفی و اعراب)

۱۴۲- گزینه «۱»

(مرتضی کاظم شیروزی)
کلمه «السَّائِحِینَ» در اینجا مفعول و منصوب بالياء (ی) است. اعراب مفعول همواره منصوب است، یعنی دارای علامت (ـَ، ین یا ین) است (ین در جمع مذكر سالم، ین در مثنی).

(تفلیل صرفی و اعراب)

۱۴۳- گزینه «۲»

(درویشعلی ابراهیمی)
کلمه «صیدُ» به صورت «صیدُ» و کلمه «الکتابَةُ» چون مبتداست، به صورت مرفوع (الکتابَةُ) درست است.

(فیض حرکات)

۱۴۴- گزینه ۲»

(علی مفسن زاده)

ذم: از اعضای بدن حیوانات است و مکان آن در پشت بدنشان می باشد!

ترجمه سایر گزینه ها:

گزینه ۱» داروخانه: کسی است که داروها را برای درمان بیماران می فروشد!

گزینه ۳» روستا: منطقه ای است که در آن بسیاری از مردم زندگی می کنند و بسیار پهناور است!

گزینه ۴» سردرد: درد شدیدی که در اعضای مختلف بدن یافت می شود! (واژگان)

۱۴۵- گزینه ۳»

(سیره میا مؤمنی)

در این گزینه، «فی بدایه» جار و مجرور است و بعد از آن «تشریفنا» که فعل است آمده، پس این جمله یک جمله فعلیه می باشد.

ترجمه: «در ابتدای سفر همگی به زیارت عتبات مقدس مشرف شدیم!»

بررسی سایر گزینه ها:

گزینه ۱» «أفضل» در این گزینه اسم تفضیل است و نقشش نیز «مبتدا» می باشد. ترجمه: «برترین کار برای کسب نمره ای مناسب در امتحانات همان مطالعه کردن است!»

گزینه ۲» «تعاون» در این گزینه مصدر و اسم است و نقشش نیز «مبتدا» می باشد. ترجمه: «همکاری دانش آموزان در مدرسه از مهم ترین موضوعات پرورشی می باشد!»

گزینه ۴» «لکم» در این جمله جار و مجرور و خبر مقدم است، «معلومات» نیز مبتدای مؤخر می باشد. (مبتدایی است که بعد از خبر ذکر شده است). ترجمه: «شما اطلاعات زیادی درباره شعرهای عربی و شاعران آن ها دارید!» (انواع جملات)

۱۴۶- گزینه ۴»

(مرتضی کاظم شیروری)

خبر می تواند به صورت اسم، فعل و یا جار و مجرور بیاید. در گزینه ۴» «لسان» مبتدا و «مملوء» خبر است که به صورت اسم آمده است.

تشریح سایر گزینه ها:

گزینه ۱» در این جمله مبتدا و خبر وجود ندارد زیرا جمله اسمیه نیست. گزینه ۲» «الإنسان» مبتدا و «یکذب» خبر است که به صورت فعل آمده است.

گزینه ۳» «أكبر» مبتدا و «فی المدح» خبر است که به صورت جار و مجرور آمده است.

(انواع جملات)

۱۴۷- گزینه ۳»

(بهروز هیدرکی)

تشریح گزینه ها:

گزینه ۱» «الجميلة» صفت «أشعار» «أشعار» مبتدا و مرفوع می باشد و به تبعیت از آن، مرفوع است.

گزینه ۲» «منطقة» خبر و مرفوع و «برية» صفتش و به تبعیت از آن، مرفوع است.

گزینه ۳» «الشارع» مضاف الیه و مجرور و «الأول» هم به عنوان صفتش به تبعیت از آن، مجرور است.

گزینه ۴» «نوع» فاعل «یقترب» و مرفوع و «عجیب» صفتش و به تبعیت از آن، مرفوع است.

(قواعد اسم)

۱۴۸- گزینه ۴»

(سیرمهر علی مرتضوی)

صورت سؤال، حرف «لا» را می خواهد که از انجام کار نهی کند؛ یعنی باید دنبال «لا» نهی بگردیم. در گزینه ۴»، «لا» بر سر فعل مضارع آمده و از نوع نهی است. (ترجمه: انسان در قضاوت نسبت به برادران و خواهرانش نباید شتاب کند!)

تشریح سایر گزینه ها:

گزینه ۱» «لا» بر سر اسم (شعب) آمده و از نوع نفی جنس است.

گزینه ۲» «لا» بر سر فعل مضارع «أستطيع» از نوع نفی است و فعل مضارع منفی می سازد. (لا أستطيع: نمی توانم)

گزینه ۳» «لا» بر سر اسم (یأس) آمده و از نوع نفی جنس است.

(قواعد فعل)

۱۴۹- گزینه ۱»

(ولی برهی - ابرهر)

در جای خالی اول به صفت برای «الرجال» نیاز داریم، «الرجال» اسم آن و منصوب است، بنابراین صفت آن نیز در منصوب بودن از آن تبعیت می کند، پس گزینه های «۲» و «۳» نادرست هستند، چون «المحسنون» مرفوع با واو آمده است. در جای خالی دوم نیز به خبر برای حروف مشبّهة بالفعل (آن) نیاز داریم و خبر این حروف نیز مرفوع می شود و جمع مذکر سالم با واو مرفوع می شود، بنابراین گزینه ۱» درست است.

ترجمه عبارت: «ای مرد، باید بدانی که مردان نیکوکار در میان ملتشان، در هر حالی محبوب هستند!»

(انواع جملات)

۱۵۰- گزینه ۲»

(بهروز هیدرکی)

تشریح گزینه ها:

گزینه ۱» «أشد» خبر «لا» ی نفی جنس و مرفوع است.

گزینه ۲» «أجمل» خبر «كان» (از افعال ناقصه) و منصوب است.

گزینه ۳» «غایة» خبر «كان» (از حروف مشبّهة بالفعل) و مرفوع است.

گزینه ۴» «مفتاح» خبر «إن» (از حروف مشبّهة بالفعل) و مرفوع است.

(انواع جملات)

عربی زبان قرآن (۲)

۱۵۱- گزینه ۳»

(درویش علی ابراهیمی)

«أنفقوا»: (فعل امر) انفاق کنید/ «مما»: از آنچه (رد سایر گزینه ها)/ «رزقناکم»: به شما روزی دادیم (رد گزینه های ۱ و ۲) / «أن یأتی»: بیاید، فرا رسد (رد گزینه ۱) / «یوم»: روزی (رد گزینه ۴) / «لا بیع فیه و لا خلّة»: نه خرید و فروشی در آن باشد و نه دوستی (رد گزینه های ۱ و ۲)

(ترجمه)

۱۵۲- گزینه ۲»

(ولی برهی - ابرهر)

«لَمَّا انْضَمَّت»: هنگامی که پیوست (رد گزینه های ۱ و ۳) / «جدا یزداذ»: شروع به افزایش کرد، شروع کرد افزایش یابد (رد گزینه های ۱ و ۴) / «المفردات الفارسیّة»: واژگان فارسی (رد گزینه ۴) / «إلى اللغة العربیّة»: به زبان عربی (رد گزینه ۴)

(ترجمه)

۱۵۳- گزینه ۳»

(پیروز و بان)

در گزینه ۳»، «قرار یگیرد» نادرست است و باید به صورت «قرار بدهد» ترجمه شود. («المعلم» مفعول جمله است و به صورت منصوب ظاهر شده است.)

(ترجمه)

۱۵۴- گزینه ۲»

(مرتضی کاظم شیروری)

«فرهنگ» معجم (رد گزینه ۳؛ زیرا «الموسوعة» یعنی «دانشنامه») / «بسیار کوچکی» صغیر جداً / «داشتم» کان لی (رد گزینه‌های ۱ و ۳) / «آن فرهنگ» المعجم، ذلک المعجم (رد گزینه ۳). (نکته: معمولاً هرگاه اسمی به صورت نکره بیاید و همان اسم دوباره همراه با «ال» تکرار شود، می‌توان الف و لامش را «این» یا «آن» ترجمه کرد.) / «در فهمیدن معنی کلمه‌ها» فی فهم معنی الکلمات / «به من کمک می‌کرد» کان یساعدنی (رد سایر گزینه‌ها)

(ترجمه)

۱۵۵- گزینه ۳»

(درویشعلی ابراهیمی)

عبارت صورت سؤال: «دور از چشم، از قلب (هم) دور است» دقیقاً همان مفهوم عبارت گزینه ۳ را دارد.

(مفهوم)

۱۵۶- گزینه ۴»

(مهمعلی کاظمی نصرآبادی)

تشریح سایر گزینه‌ها:

گزینه ۱: «مؤمنون» خبر نیست و نقش آن صفت برای «شباب» است. گزینه ۲: «یرفعون» فعل ثلاثی مجرد است. (در ابتدایش حرکت فتحه دارد، پس مشخص است فعل مزید از باب افعال نیست.) گزینه ۳: «حروفه الأصلية» و، ح، د صحیح است. (دقت کنید حرف «ت» در ابتدای مصدر باب تفعیل، جزء حروف اصلی آن نیست.)

(تحلیل صرفی و اعراب)

۱۵۷- گزینه ۳»

(علی مفسن زاده)

واژه‌های «سَجَلَتْ» و «العالمی» نادرست حرکت‌گذاری شده‌اند و شکل درست آن‌ها «سَجَلَتْ» و «العالمی» می‌باشد. واژه «سَجَلَتْ» ماضی باب «تفعیل» است و باید بر وزن «فَعَّلَ» بیاید.

(ضبط حرکات)

۱۵۸- گزینه ۴»

(سیرمهمعلی مرتضوی)

جای خالی اول، در ابتدای جمله قرار گرفته است، پس «أَنْ» به معنی «که» نامناسب است. (رد گزینه‌های ۱ و ۳) در جای خالی دوم هم با توجه به معنی و ساختار، باز هم «أَنْ» مناسب نیست. (رد گزینه ۲) ترجمه: اگر فرد بسیار دروغگو چیزی را پنهان نماید و آن را در برابر دیگران با تأکید انکار کند، برای همیشه نخواهد توانست آن را مخفی نگه دارد!

(انواع جملات)

۱۵۹- گزینه ۲»

(سیره میا مؤمنی)

اسم نکره در دو جایگاه می‌تواند معرفه ترجمه شود:

- ۱- خبر شود، بدون اینکه بعدش صفت یا جمله وصفیه‌ای آمده باشد.
- ۲- معدود شود.

در این گزینه «شجرة» خبر و نکره است، اما چون بعدش «تنمو» آمده که جمله وصفیه می‌باشد، پس باید به همان شکل نکره ترجمه شود.

تشریح سایر گزینه‌ها:

گزینه ۱: «نافعة» خبر و نکره است که به صورت معرفه ترجمه می‌شود. گزینه ۳: «مزدحمًا» خبر و نکره است که به صورت معرفه ترجمه می‌شود. گزینه ۴: «کُتِبَ» معدود و نکره است که به صورت معرفه ترجمه می‌شود. (قواعد اسم)

۱۶۰- گزینه ۲»

(درویشعلی ابراهیمی)

جمله فعلیه «ضَعَهَا» بعد از اسم نکره «قطعة» قرار گرفته و آن را توصیف کرده است. (ترجمه: ملحفه قطعه پارچهای است که آن را روی تخت قرار می‌دهیم!) تشریح سایر گزینه‌ها:

در گزینه ۱: «کلمة» متخذ صفت است ولی جمله نیست، در گزینه ۳: «نُقِلَتْ» جمله وصفیه نیست، زیرا اسم نکره قبل از خود را توصیف نمی‌کند. در گزینه ۴: «کان» نیز جمله «کان کثیر المعاصی» خبر است نه صفت. (انواع جملات)

عربی زبان قرآن (۱)

۱۶۱- گزینه ۴»

(علی مفسن زاده)

«قُلْ» بگو (رد گزینه ۲) / «سیروا» سیر کنید، حرکت کنید، بگردید (رد گزینه ۲) / «فی الأرض» در زمین (رد گزینه ۱) / «أنظروا» بنگرید، ببینید (رد گزینه ۲) / «کیف» چگونه (رد گزینه ۳) / «بدأ» آغاز نمود، شروع کرد (رد گزینه ۳) / «الخلق» آفرینش (رد گزینه ۱)

(ترجمه)

۱۶۲- گزینه ۴»

(پیروز و بان)

«مُتَلَابِ صَقَى»: دانش‌آموزان کلاس من (مبتدا نیست، چون آخرش فتحه دارد، در حالی که مبتدا ضمّه می‌گیرد ← در واقع منادا است) / «تَعَلَّمُوا»: یاد بگیرید (هم می‌تواند ماضی باشد و هم امر و چون قبلیش منادا وجود دارد، امر است) (رد گزینه‌های ۱ و ۲) / «بین کلمتی»: بین دو کلمه / «التحرُّک و التحریک»: حرکت کردن و حرکت دادن (رد گزینه‌های ۲ و ۳) / «من حیث المعنی»: از جهت معنا / «لِإِستخدامِهما الصَّحیح فی الجُمْل»: برای به کار بردن (کاربرد) درست آن دو در جمله‌ها (رد گزینه ۱)

(ترجمه)

۱۶۳- گزینه ۴»

(سیره میا مؤمنی)

«سَجَلَتْ»: ثبت شده است (فعل مجهول است). (رد گزینه ۲) / «معالم قریتنا الاثریة»: آثار تاریخی روستایمان (رد گزینه ۳) / «قد أثارت»: جلب کرده است (رد گزینه‌های ۲ و ۳) / «السیاح»: گردشگران (رد گزینه ۱)

(ترجمه)

۱۶۴- گزینه ۴»

(ولی برهی - ابر)

«هذا صوت»: این صدایی است (رد گزینه‌های ۱ و ۳) / «یخرجه»: آن را در می‌آورد، آن را خارج می‌سازد (رد گزینه‌های ۱ و ۳) / «لکی یحذر»: برای اینکه هشدار دهد (رد گزینه‌های ۲ و ۳) / «سریعاً» (مربوط به بخش آخر عبارت است): به سرعت (رد گزینه ۳)

(ترجمه)

۱۶۵- گزینه ۱»

(درویشعلی ابراهیمی)

«روابط تجاری»: العلاقات التجارية، الروابط التجارية (رد گزینه ۴) / «میان»: بین (رد گزینه‌های ۲ و ۳) / «در سال‌های اخیر»: خلال (فی) السنوات (الأعوام) الأخيرة (رد گزینه‌های ۳ و ۴) / «شاهد بوده است»: شَهِدَ (رد گزینه ۲) / «پیشرفت قابل توجهی»: تَطَوَّرَ (تَقَدَّمَ) ملحوظاً (رد گزینه ۳)

(ترجمه)

تاریخ و جغرافیا (۳)

۱۷۱- گزینه «۳»

(میلاد باغ‌شبی)

مستوفیان در عصر قاجار، مسئولیت محاسبه و گردآوری مالیات‌ها و نظارت بر املاک دیوانی و سلطنتی (خاصه) را بر عهده داشتند.

(تاریخ (۳)، سیاست و حکومت در عصر قاجار، صفحه ۳۹)

۱۷۲- گزینه «۱»

(علی‌مهر کریمی)

عهدنامه فین‌کنشتاین، بین ایران و فرانسه در زمان ناپلئون بناپارت بسته شد و پس از آن، هیئتی نظامی از فرانسه برای تعلیم و تجهیز سپاه به ایران آمد و در مدت کوتاهی اقدامات مفیدی در این زمینه انجام شد.

(تاریخ (۳)، سیاست و حکومت در عصر قاجار، صفحه ۴۶)

۱۷۳- گزینه «۱»

(کنکور سراسری ۱۴۰۱)

رکود صنعت صادرات ابریشم و کمبود طلا و نقره برای تأمین مالی واردات کالا از اروپا و سایر کشورها به ایران، تأثیر به‌سزایی بر رونق صادرات فرش به عنوان کالای جایگزین در دوران حکومت قاجار داشت.

(تاریخ (۳)، اوضاع اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی عصر قاجار، صفحه‌های ۵۲ و ۵۳)

۱۷۴- گزینه «۲»

(علیرضا رضایی)

دارالفنون یکی از مدارسی بود که با هدف آموزش علوم مختلف و فنون جدید به دانشجویان ایرانی، در داخل کشور و با ایده و پیگیری امیرکبیر، تأسیس شد.

(تاریخ (۳)، اوضاع اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی عصر قاجار، صفحه‌های ۵۳ و ۵۴)

۱۷۵- گزینه «۴»

(میلاد باغ‌شبی)

بسیاری از معماران دوره قاجار به سفارش دربار و ثروتمندان با استفاده از برخی از عناصر معماری فرهنگی و تلفیق آن با معماری ایرانی، سبکی از معماری را به وجود آوردند که در آن عناصر و ویژگی‌های معماری ایرانی و اروپایی ترکیب شده بود. این بناها که به بناهای «کارت پستالی» معروف شد، بیشتر به تقلید از بناهای اروپایی ساخته می‌شدند.

(تاریخ (۳)، اوضاع اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی عصر قاجار، صفحه ۵۹)

۱۷۶- گزینه «۴»

(فاطمه سقایی)

«کاهش تدریجی روستانشینی» و «مهاجرت نیروی کار کشاورزی از روستاها به شهرها»، مسائل و مشکلاتی را در این سکونتگاه‌ها به وجود آورده است. این مسائل، اندیشمندان را بر آن داشته است که به فکر برنامه‌ریزی برای روستاها و شهرها بیفتند.

(جغرافیا (۳)، جغرافیای سکونتگاه‌ها، صفحه ۲۱)

۱۶۶- گزینه «۱»

(کتاب آبی)

ترجمه عبارت: «متأسفانه بسیاری از مردم چگونگی پیشگیری از بیماری‌های پُرشبوع را نمی‌دانند!».

(واژگان)

۱۶۷- گزینه «۳»

(درویشعلی ابراهیمی)

غلط‌های سایر گزینه‌ها:

در گزینه «۱»، «بعلامه «ن»»، در گزینه «۲»، «مبنی» و در گزینه «۴»، «بزیاده حرفین» نادرست است.

(تفلیل صرفی و اعراب)

۱۶۸- گزینه «۳»

(پرویز ویان)

نُحْنُ: فعل ماضی جمع مؤنث غائب از ناح (با «نُحْنُ» ضمیر متکلم مع‌الغیر اشتباه نشود).

غلط‌های سایر گزینه‌ها:

گزینه «۱»: «الجرباء ← الجرباء» (فاعل و مرفوع)

گزینه «۲»: «هؤلاء ← هؤلاء» (این کلمه مبنی است، پس حرکت آخرش تغییر نمی‌کند).

گزینه «۴»: «الکاتبون المجدون» ← «الکاتبون المجدون» (حرکت «ن» در جمع مذکر سالم و مثنی تغییر نمی‌کند؛ دقت کنید این کلمات معرب هستند و اعراب مرفوعشان با حرف «واو» و اعراب منصوب و مجرورشان با حرف «ی» می‌آید).

(ضبط حرکات)

۱۶۹- گزینه «۲»

(مهمید علی کاظمی نصرآبادی)

در گزینه «۲»، «الظالم» صفت برای موصوف «العدو» است و نقش «العدو» نیز مبتداست.

بررسی سایر گزینه‌ها:

گزینه «۱»: «النافعة» صفت برای «العلوم» است که نقشش مفعول است. گزینه «۳»: «الصالحات» صفت برای «الباقیات» است که نقشش مضاف‌الیه است.

گزینه «۴»: «قدیمة» صفت برای «حکایات» است که نقشش مجرور به حرف جر است.

(انواع مهملات)

۱۷۰- گزینه «۲»

(کتاب آبی)

صورت سؤال گزینه‌ای را می‌خواهد که در آن «مَن» منصوب باشد و می‌دانیم که «مفعول» جزء نقش‌های منصوبی است. در گزینه «۲»، «مَن» مفعول فعل «یرحم» و منصوب است. ترجمه: «امید است خدا به کسی که به مردم رحم کرده است، رحم کند».

بررسی سایر گزینه‌ها:

گزینه «۱»: «مَن» مضاف‌الیه و مجرور است. ترجمه: «هر کسی که از ما نیست، ما را نمی‌شناسد».

گزینه «۳»: «مَن» خبر و مرفوع است. ترجمه: «داناترین مردم کسی است که علم مردم را به علم خویش افزود».

گزینه «۴»: «مَن» فاعل و مرفوع است. ترجمه: «کسی که به وظایف خویش در مراقبت از محیط‌زیست عمل می‌کند، پشیمان نمی‌شود».

(قواعد اسم)

۱۷۷- گزینه «۴»

(کنکور قاجار از کشور ۱۴۰۱)
یکی از پدیده‌های ناشی از نظام اقتصادی سرمایه‌داری، نابرابری فضایی است. در بیشتر شهرها امکانات و خدمات شهری به‌طور عادلانه و متوازن توزیع نشده‌اند و بین مناطق برخوردار و مرفه و مناطق محروم تفاوت‌های چشمگیری از نظر فضای جغرافیایی مشاهده می‌شود. برنامه‌ریزی و مدیریت شهری باید برای رفع این نابرابری‌ها چاره‌اندیشی و اقدام کند. در زاغه‌ها تجهیزات و خدمات مناسبی برای ساکنان وجود ندارد و حداقل نیازهای افراد برطرف نمی‌شود.

(پغرافیا (۳)، پغرافیای سکونتگاه‌ها، صفحه‌های ۲۱ و ۲۲)

۱۷۸- گزینه «۳»

(علیرضا رضایی)
تحقق روستای پایدار سه رکن دارد: فعال کردن اقتصاد روستا، خدمات اجتماعی و فرهنگی و حفظ محیط‌زیست روستا و چشم‌اندازهای طبیعی آن. (پغرافیا (۳)، پغرافیای سکونتگاه‌ها، صفحه ۳۱)

۱۷۹- گزینه «۴»

(علیرضا رضایی)
یکی از ویژگی‌های عمده برنامه آمایش سرزمین، توجه به همه ابعاد توسعه شامل جنبه‌های اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و فرهنگی، دفاعی و محیطی کشور به‌طور هماهنگ است. (پغرافیا (۳)، پغرافیای سکونتگاه‌ها، صفحه ۳۶)

۱۸۰- گزینه «۱»

(فاطمه سقایی)
بیشتر روستاییان با مسائلی چون نداشتن مالکیت زمین، کمبود زمین، یکپارچه‌نبودن و قطعه‌قطعه‌بودن زمین‌های کشاورزی و نداشتن سرمایه لازم برای کشت تجاری و سودآور دست‌به‌گریبان‌اند. در برخی زمین‌ها میزان تولید پایین و در حد رفع نیازهای داخلی روستاهاست. روستاییان به دلیل عدم دسترسی به بازارها اغلب گرفتار واسطه‌ها می‌شوند و مجبورند محصولاتشان را با قیمت بسیار کم به آن‌ها بفروشند.

(پغرافیا (۳)، پغرافیای سکونتگاه‌ها، صفحه ۳۱)

تاریخ و جغرافیا (۱)

۱۸۱- گزینه «۴»

(علیرضا علویان)
یورش‌ها و غارت‌گری‌های پیاپی آشوریان، زمینه اتحاد قبایل پراکنده ماد را فراهم آورد.

(تاریخ (۱)، ایران در عصر باستان، صفحه ۸۱)

۱۸۲- گزینه «۱»

(علیرضا علویان)
عبارات «الف» و «ب» و «ه» درست هستند.
تشریح عبارات نادرست:
(ج) داریوش به منظور دفع حملات قبایل صحراگرد سکایی، به مناطق دوردستی در شمال دریای سیاه و جنوب روسیه کنونی لشکرکشی کرد.
(د) کورش دستور داد تا ماجرای فتح مسالمت‌آمیز بابل را بر لوحی استوانه‌ای به زبان بابلی بنویسند.

(تاریخ (۱)، ایران در عصر باستان، صفحه‌های ۸۳ تا ۸۵)

۱۸۳- گزینه «۱»

(علی‌محمدر کریمی)
سلوکیان از اوایل تشکیل حکومت خود، با جانشینان اسکندر در مصر، وارد رقابت و درگیری شدند، بنابراین بیشتر توجه شاهان سلوکی به مناطق غربی قلمرو خودشان بود و بر متصرفات شرقی خویش نظارت و سلطه کامل نداشتند.

(تاریخ (۱)، ایران در عصر باستان، صفحه ۹۱)

۱۸۴- گزینه «۴»

(علی‌محمدر کریمی)
در زمان پادشاهی قباد یکم، حکومت ساسانی با جنبش اجتماعی و اقتصادی به رهبری مزدک مواجه شد. مزدک طرفدار برابری مردم در بهره‌مندی از منافع اقتصادی و اجتماعی بود و عقیده داشت مردم باید در زندگی از امکانات یکسانی برخوردار باشند.

(تاریخ (۱)، ایران در عصر باستان، صفحه ۹۵)

۱۸۵- گزینه «۳»

(پواد میربلوکی)
در دوره هخامنشی ترکیبی از قوانین و شیوه‌های دادرسی اقوام ایرانی و نیز اقوام و ملت‌های غیرایرانی تابع امپراتوری هخامنشیان، مبنای قضاوت بوده است. قضاوت به دو شکل رسمی و غیررسمی صورت می‌گرفت. شکل غیررسمی را اغلب ریش‌سفیدان و بزرگان خانواده‌ها و قبایل برعهده داشتند. قضاوت رسمی، بیشتر برعهده روحانیون زرتشتی و نیز قضاتی بود که از سوی شاه و یا حاکمان مناطق مختلف منصوب می‌شدند.

(تاریخ (۱)، ایران در عصر باستان، صفحه‌های ۱۰۴ و ۱۰۵)

۱۸۶- گزینه «۳»

(کنکور سراسری ۱۴۰۱)
در ایران بیشتر بارش‌ها در اواخر فصل پاییز تا اوایل فصل بهار می‌بارد، به این دلیل هر چه به پایان این دوره نزدیک‌تر می‌شویم، آبدی رودها بیشتر می‌شود.

(پغرافیای ایران، پغرافیای طبیعی ایران، صفحه‌های ۳۸ و ۳۹)

۱۸۷- گزینه «۲»

(فاطمه سقایی)
در مناطق کوهستانی، مکان‌هایی وجود دارد که سرچشمه رودهای متعددی هستند. به این مکان‌ها کانون‌های آبگیر می‌گویند. رودهایی که از کانون‌های آبگیر سرچشمه می‌گیرند، ممکن است در جهات مختلف جریان یابند. این کانون‌های آبگیر دارای سه نوع دائمی، فصلی و اتفاقی هستند.

(پغرافیای ایران، پغرافیای طبیعی ایران، صفحه ۳۹)

۱۸۸- گزینه «۳»

(علیرضا رضایی)

ب) تنگه هرمز محل اتصال خلیج فارس و دریای عمان است.

ج) قشم بزرگ‌ترین جزیره خلیج فارس است.

(جغرافیای ایران، جغرافیای طبیعی ایران، صفحه‌های ۵۳ و ۵۴)

۱۸۹- گزینه «۳»

(علیرضا رضایی)

به دلیل شوری آب دریاچه هیچ موجود زنده‌ای نمی‌تواند در آن زندگی کند.

(رد قسمت اول گزینه ۱ و قسمت دوم گزینه ۴)

مورد دوم گزینه «۲» هم از دلایل اهمیت دریاچه ارومیه نیست.

(جغرافیای ایران، جغرافیای طبیعی ایران، صفحه ۵۷)

۱۹۰- گزینه «۲»

(فاطمه سقایی)

آب برخی از دریاچه‌های کشور شور است و برخی دیگر آب شیرین دارند.

(جغرافیای ایران، جغرافیای طبیعی ایران، صفحه‌های ۵۶ و ۵۷)

تاریخ و جغرافیا (۲)

۱۹۱- گزینه «۳»

(علیرضا علویان)

سلسله‌های طاهریان و سامانیان، ریشه در خاندان‌های کهن دهقانی منطقه خراسان و ماوراءالنهر داشتند.

(تاریخ (۲)، ایران از ورود اسلام تا پایان صفویه، صفحه ۹۰)

۱۹۲- گزینه «۱»

(پوار میربلوکی)

امیران شیعه‌مذهب علویان طبرستان که از سادات علوی به شمار می‌رفتند خود مدعی خلافت بودند و عباسیان را غاصب خلافت می‌شمردند. از این‌رو، بیشتر دوران حکومت علویان طبرستان (۲۵۰-۳۱۶ ق) به کشمکش و جنگ با سپاهیان خلیفه و لشکریان طاهریان و سامانیان که متحد خلافت بودند، سپری شد.

(تاریخ (۲)، ایران از ورود اسلام تا پایان صفویه، صفحه ۹۲)

۱۹۳- گزینه «۱»

(پوار میربلوکی)

جرج سارتن، پدر تاریخ علم، رازی را بزرگ‌ترین پزشک اسلام و قرون وسطا شمرده است.

(تاریخ (۲)، ایران از ورود اسلام تا پایان صفویه، صفحه ۹۸)

۱۹۴- گزینه «۳»

(علی‌محمد کریمی)

در زمان آلبارسلان، جانشین طغرل، سلجوقیان در نبردی بزرگ که در ملازگرد رخ داد، سپاهیان امپراتوری روم شرقی را شکست دادند، امپراتور را اسیر کردند و آسیای صغیر را به متصرفات خود افزودند.

(تاریخ (۲)، ایران از ورود اسلام تا پایان صفویه، صفحه‌های ۱۰۲ و ۱۰۳)

۱۹۵- گزینه «۲»

(علی‌محمد کریمی)

خواجه نظام‌الملک با هدف نظارت و آباد کردن زمین‌های بایر و بلااستفاده، نظام اقطاع را که در دوره آل‌بویه رایج بود گسترش داد.

(تاریخ (۲)، ایران از ورود اسلام تا پایان صفویه، صفحه ۱۱۰)

۱۹۶- گزینه «۴»

(فاطمه سقایی)

منظور از خانواده زبانی، گروه بزرگی از زبان‌هاست که یک ریشه اصلی دارند. بیش از نیمی از مردم جهان، به یکی از زیرشاخه‌های خانواده زبانی هند و اروپایی صحبت می‌کنند. خانواده زبانی چینی‌تبتی دومین خانواده بزرگ زبانی از نظر تعداد سخن‌گو است.

(جغرافیا (۲)، نوامی انسانی، صفحه‌های ۶۹ و ۷۰)

۱۹۷- گزینه «۱»

(فاطمه سقایی)

چشم‌انداز یعنی منظره قابل رویت از یک مکان، چشم‌انداز شیوه زندگی مردم یک ناحیه را به مشاهده‌گر نشان می‌دهد.

(جغرافیا (۲)، نوامی انسانی، صفحه ۷۴)

۱۹۸- گزینه «۲»

(فاطمه سقایی)

پدیده پخش یا انتشار فرایندی است که طی آن یک موضوع یا پدیده مانند زبان، مذهب، افکار و ایده‌ها، نوآوری، وسایل و ابزار، لباس، شیوه زندگی و حتی بیماری از یک مکان به سایر مکان‌ها گسترش می‌یابد.

(جغرافیا (۲)، نوامی انسانی، صفحه‌های ۷۹ و ۸۱)

۱۹۹- گزینه «۲»

(کنکور سراسری ۱۴۰۱)

فعالیت‌های نوع دوم (صنعت): شامل فعالیت‌هایی است که طی آن‌ها منابع و مواد اولیه در کارخانه‌ها تغییر شکل می‌یابند و به کالا تبدیل می‌شوند. (الف و د)

فعالیت‌های نوع سوم (خدمات): به فعالیت‌هایی گفته می‌شود که در فرایند آن‌ها خدماتی به دیگران ارائه می‌شود. (ب و ج)

(جغرافیا (۲)، نوامی انسانی، صفحه ۸۴)

۲۰۰- گزینه «۱»

(فاطمه سقایی)

امروزه کشورها سعی می‌کنند با ایجاد پارک‌های علمی و فناوری، صنایع نو را گسترش دهند. این پارک‌ها معمولاً در نزدیکی قطب‌های صنعتی ایجاد می‌شوند و از تحقیقات دانشگاهی استفاده می‌کنند.

(جغرافیا (۲)، نوامی انسانی، صفحه ۹۶)

فلسفه دوازدهم

۲۰۱- گزینه «۳»

(مسین آفونری راهنمایی)

در رابطه علیت یک طرف به طرف دیگر که قبلاً نبوده وجود می‌دهد.

علل رد سایر گزینه‌ها:

گزینه «۱»: در روابط غیرووجودی رابطه فرع بر وجود طرفین رابطه است؛ یعنی ابتدا باید دو طرف وجود داشته باشد تا رابطه برقرار شود، اما علیت این‌گونه نیست.

گزینه «۲»: در علیت دو موجود مستقل نداریم، بلکه وجود یکی وابسته به دیگری است.

گزینه «۴»: وجود لزوماً ذاتی طرفین نیست و معلول برای وجود یافتن وابسته به علت است.

(فلسفه دوازدهم، جهان علی و معلولی، صفحه ۱۴)

۲۰۲- گزینه «۳»

(مسین آفونری راهنمایی)

ما با حواس می‌توانیم فقط رنگ ببینیم و یا صدا بشنویم و به امور ظاهری اشیاء پی ببریم، تفسیر آن با قوه عقل است. پس حس فقط انتقال داده است و درک و تفسیر کار عقل است اما به کمک حواس.

(فلسفه دوازدهم، جهان علی و معلولی، صفحه‌های ۱۸ و ۱۹)

۲۰۳- گزینه «۴»

(سبا یعفرزاده صابری)

فیلسوفان مسلمان ادراک رابطه علیت را کار عقل می‌دانند و معتقدند که این رابطه در حس مکشوف نیست. اما یافتن و تشخیص مصادیق آن نیازمند حس و تجربه است و مشاهده را در آن مؤثر می‌دانند.

علل رد سایر گزینه‌ها:

گزینه «۱»: تجربه‌گرایان حس و تجربه را مبنای حکم به رابطه علیت می‌دانند.

گزینه «۲»: از منظر دکارت انسان از اصل علیت درک فطری دارد، اما یافتن مصادیق علت و معلول نیازمند تجربه و آموزش است.

گزینه «۳»: ادراک انسان از رابطه علیت از منظر هیوم چیزی جز یک امر روانی ناشی از توالی پدیده‌ها نیست.

(فلسفه دوازدهم، جهان علی و معلولی، صفحه‌های ۱۶ تا ۱۸)

۲۰۴- گزینه «۲»

(سبا یعفرزاده صابری)

دکارت درک ما از علیت را فطری می‌داند (فطری بودن نزد او تا حدود زیادی به معنای بدیهی بودن و حضور بی‌واسطه نزد عقل است). اما هیوم درک ما از این رابطه را متأثر از تجربه و ناشی از عادت ذهنی در اثر تعاقب حوادث پی‌درپی می‌داند. لذا از نظر دکارت (و همچنین فلاسفه) مسلمان حکم ما به جاری و ساری بودن رابطه علیت در جهان خارج بر پایه عقل است و لذا این رابطه ضروری است. اما هیوم چون حکم به آن را بر اثر عادت ذهنی می‌داند آن را قطعی و ضروری به حساب نمی‌آورد. (تأیید بخش اول گزینه‌های ۱ و ۲ و رد بخش دوم گزینه ۴)

می‌توان در مورد بین فلاسفه مسلمان و هیوم اشتراک نظر یافت. از نظر هر دو رابطه علیت امری نیست که حس و تجربه بتواند آن را ادراک کند؛

هرچند کشف مصادیق علیت و حکم دادن به علت و معلول بودن دو رویداد خاص بدون استمداد از تجربه و بدون اتکا به حس ممکن نیست. با این حال فلاسفه مسلمان چون معتقدند درک ما از اصل علیت بر پایه عقل محض و استدلال از بدیهیات است آن را می‌پذیرند؛ اما هیوم هیچ درک عقلی بدون تجربه را نمی‌پذیرد. (تأیید بخش دوم گزینه‌های ۲ و ۳ و رد بخش دوم گزینه ۱)

در رد گزینه سوم هم باید توجه کنید که تجربی بودن منافی عقلانی بودن نیست. بلکه قائل بودن به صرف عقل و مستقل بودن آن از تجربه است که با تجربه‌گرایان مخالف است، وگرنه تجربه هم از عقل بهره‌مند است. (رد بخش اول گزینه ۳)

(فلسفه دوازدهم، جهان علی و معلولی، صفحه‌های ۱۶ و ۱۷)

۲۰۵- گزینه «۳»

(مسین صبری)

باغبان با فراهم کردن عوامل رشد درخت، ضرورتاً رشد آن را انتظار دارد و انتظار نتیجه‌ای خلاف رشد درخت را ندارد. این امر نشان‌دهنده پذیرش اصل «وجوب علی و معلولی» و تخلف‌ناپذیری معلول از علت است. همچنین اینکه باغبان از درخت سبب تنها انتظار معلول متناسب با آن، یعنی میوه سبب را دارد، نشانه پذیرش اصل «سنخیت میان علت و معلول» است.

(فلسفه دوازدهم، جهان علی و معلولی، صفحه‌های ۱۸ تا ۲۰)

۲۰۶- گزینه «۴»

(نیم پواهری)

اصول «سنخیت علت و معلول» و «وجوب علی و معلولی» از فروع اصل علیت محسوب می‌شوند؛ زیرا هر یک از این اصول فرع بر رابطه وجودبخشی میان علت و معلول مطرح می‌شوند و هر یک ناظر بر جنبه‌ای از این رابطه هستند. اصل «سنخیت علت و معلول» ناظر بر این است که بین علت و معلولش تناسب خاصی برقرار است و از هر علت هر معلولی پدید نمی‌آید. اصل «وجوب علی و معلولی» ناظر بر ضرورت‌بخشی علت به معلول است و بیان می‌کند که معلول نمی‌تواند از علتش تخلف کند و به وجود نیاید یا اینکه علت باشد و معلول به وجود نیاید. این اصول بیانگر چگونگی و احکام رابطه علیت هستند.

گزینه‌های «۱» و «۳» مربوط به اصل «سنخیت علت و معلول» هستند و گزینه «۲» مربوط به اصل «وجوب علی و معلولی» است.

(فلسفه دوازدهم، جهان علی و معلولی، صفحه‌های ۱۸ تا ۲۰)

۲۰۷- گزینه «۴»

(نیم پواهری)

نظریه دموکریتوس با معانی دوم و سوم اتفاق سازگار است؛ یعنی هم اصل سنخیت را رد می‌کند و هم غایت‌مندی میان پدیده‌ها را.

بررسی سایر گزینه‌ها:

گزینه «۱»: این نظریه صدفه و اتفاق را رد نمی‌کند و با معانی دوم و سوم آن همسو است.

گزینه «۲»: این نظریه لزوماً وجوب علی و معلولی را زیر سؤال نمی‌برد و بیانگر معنای اول اتفاق نیست.

گزینه «۳»: طبق این نظریه، این برخورد اتفاقی اتم‌ها و ذرات تجزیه‌ناپذیر است که عناصر را به وجود می‌آورد، نه برعکس.

(فلسفه دوازدهم، کدام تصویر از جهان؟، صفحه‌های ۲۲ و ۲۷)

۲۰۸- گزینه «۳»

(حسن صدری)

بررسی گزینه‌ها:

گزینه «۱»: معنای اول اتفاق هم مستلزم انکار اصل علیت و هم وجوب علی و معلولی است.

گزینه «۲»: انکار معنای دوم اتفاق ملازم با قبول اصل سنخیت میان علت و معلول است.

گزینه «۳»: تنها زمانی می‌توان غایت‌مندی در میان موجودات این جهان را اثبات کرد که از پیش وجود خداوند به عنوان علت‌العلل و غایت‌الغایات را پذیرفته باشیم.

گزینه «۴»: معنای چهارم اتفاق با هیچ‌یک از اصول و لوازم علیت مخالف نیست و کاملاً ممکن است و به علم ناقص و محدود ما برمی‌گردد.

(فلسفه دوازدهم، کرام تصویر از جهان؟، صفحه‌های ۲۳ تا ۲۶)

۲۰۹- گزینه «۳»

(سبا پیغرزازه صابری)

الف) اینکه جهان با وجود نظم هدف خاصی را در پی نداشته باشد اشاره به معنای سوم اتفاق یعنی انکار هدف‌مندی و غایت‌مندی جهان است. دقت کنید که واژه نظم لزوماً در هر عبارتی به معنای دوم اتفاق اشاره ندارد.

ب) معنای چهارم اتفاق که عبارت است از رخ دادن حوادث پیش‌بینی نشده که هیچ تعارضی با اصل علیت و فروع آن ندارد و مربوط به علم محدود و ناقص ما نسبت به حوادث پیرامونی است.

ج) اینکه صرفاً برخی از عوامل تحقق یک معلول وجود یافته باشد اما معلول ضرورتاً موجود شود مربوط به معنای اول اتفاق یعنی انکار اصل علیت و وجوب بخشی علت به معلول است.

(فلسفه دوازدهم، کرام تصویر از جهان؟، صفحه‌های ۲۳ تا ۲۷)

۲۱۰- گزینه «۲»

(نیم پواهری)

ما فیلسوفی را سراغ نداریم که به‌طور صریح و روشن با معنای اول اتفاق موافق باشد. فیلسوفان، معمولاً چنین اتفاقی را انکار می‌کنند و می‌گویند هر معلولی به علت نیاز دارد و یک رابطه ضروری میان علت و معلول برقرار است. امکان ندارد که موجودی، خودبه‌خود و بدون علتی که به آن وجود ببخشد، پدید آید.

معنای چهارم اتفاق، همان‌طور که گفته شد، رخ دادن حادثه پیش‌بینی نشده است. این معنای اتفاق با هیچ‌یک از اصول و لوازم علیت مخالف نیست. بلکه مربوط به علم ناقص و محدود ما نسبت به حوادث پیرامونی است. بنابراین می‌تواند کاربرد درستی داشته باشد.

(فلسفه دوازدهم، کرام تصویر از جهان؟، صفحه‌های ۲۳ تا ۲۶)

منطق

۲۱۱- گزینه «۱»

(فرهاد قاسمی نژاد)

نه هر که چهره برافروخت دلبری داند. (صادق) هر که چهره برافروخت دلبری داند. (کاذب)

نه هر که ... متناقض هر که ... است. پس دو قضیه فوق متناقض هستند. تناقض قضیه دوم نیز می‌شود بعضی کسانی که چهره برمی‌افروزند دلبری نمی‌دانند که صادق است.

(منطق، اکلام قضایا، صفحه ۶۳)

۲۱۲- گزینه «۱»

(فرهاد قاسمی نژاد)

دو قضیه متضاد در صورتی قطعاً هر دو کاذب هستند که رابطه موضوع و محمول در آن دو قضیه منوجه باشد. مانند ماشین و بارکش.

(منطق، اکلام قضایا، صفحه ۶۴)

۲۱۳- گزینه «۲»

(حسن صدری)

در تداخل اگر قضیه جزئی کاذب باشد، قضیه کلی آن قطعاً کاذب است، پس اگر بدانیم «بعضی ج د نیست» کاذب است، به‌طور قطعی می‌توانیم بگوییم که «هیچ ج د نیست» نیز قضیه‌ای کاذب است.

بررسی سایر گزینه‌ها:

گزینه «۱»: از صدق کلی به صدق جزئی می‌رسیم.

گزینه «۳»: از کذب جزئی به کذب کلی می‌رسیم.

گزینه «۴»: از صدق جزئی به طور قطعی نمی‌توان صدق کلی را نتیجه گرفت.

(منطق، اکلام قضایا، صفحه‌های ۶۵ و ۶۶)

۲۱۴- گزینه «۲»

(فرهاد قاسمی نژاد)

عکس هر کتابی نویسنده دارد (به عبارت دیگر هر کتابی دارای نویسنده است) می‌شود بعضی دارای نویسنده‌ها هستند و نقیض آن می‌شود هیچ دارای نویسنده‌ای کتاب نیست.

(منطق، اکلام قضایا، صفحه‌های ۶۳، ۶۷ و ۶۸)

۲۱۵- گزینه «۲»

(حسن صدری)

عکس مستوی لازم‌الصدق یک قضیه «موجب کلیه»، همواره «موجب جزئی» است. در عکس مستوی اگر از موجب کلیه به موجب کلیه برسیم، دچار مغالطه ایهام انعکاس شده‌ایم.

(منطق، اکلام قضایا، صفحه ۶۹)

۲۱۶- گزینه «۳»

(نیم پواهری)

در روابط تناقض و تضاد می‌توانیم از صدق یک گزاره به کذب قطعی متقابل آن حکم بدهیم.

تکلیف: در استنتاج صدق و کذب در عکس مستوی به این نکته طلایی و ناگفته بسیار توجه کنید و آن را به خاطر بسپارید: در عکس مستوی از صدق اصل به صدق عکس می‌رسیم (نه برعکس!) و از کذب عکس به کذب اصل می‌رسیم (نه برعکس!).

(منطق، اکلام قضایا، صفحه‌های ۶۳، ۶۴، ۶۷ و ۶۸)

۲۱۷- گزینه «۳»

(مسین آفونری راهنمایی)

در موجب کلی بین موضوع و محمول آن می‌تواند نسبت تساوی و عموم و خصوص مطلق باشد.

به جهت اینکه امکان دارد حالت عموم و خصوص مطلق برقرار باشد ← پس باید عکس موجب کلی را جزئی کرد که صدق حفظ شود.

(منطق، اکلام قضایا، صفحه‌های ۶۷ و ۶۸)

فلسفه یازدهم

۲۲۱- گزینه «۲»

(فهرار قاسمی نژاد)

شناخت تمایزها و تفاوت‌های اشیا (با ابزار حس) این امکان را به انسان می‌دهد که به کمک عقل خود از اشیای متفاوت استفاده‌های مختلف بکند.

(فلسفه یازدهم، ابزارهای شناخت، صفحه ۵۱)

۲۲۲- گزینه «۳»

(فهرار قاسمی نژاد)

انسان دارای قوه‌ای است که با آن تفکر و تعقل می‌کند. او به کمک این قوه هم می‌تواند امور محسوس و طبیعی را درک کند و هم امور غیرمحسوس و غیرطبیعی را بشناسد.

نکته: منظور از قلمرو شناخت گستره آن می‌باشد؛ یعنی با استفاده از آن ابزار تا چه حد می‌توان به شناخت رسید و چه چیزهایی را می‌توان شناخت.

(فلسفه یازدهم، ابزارهای شناخت، صفحه ۵۲)

۲۲۳- گزینه «۳»

(سبا پعفرزاده صابری)

قرآن کریم نمونه بارزی از شناخت وحیانی است که آشنایی با حقایق آن بستگی به میزان آگاهی و دقت (تدبر و تأمل) فرد دارد. پس مشروط و متغیر می‌باشد

علا رد سایر گزینه‌ها:

گزینه «۱»: پیامبران تنها دریافت‌کننده مستقیم وحی هستند؛ اما مردم نیز به وسیله پیامبران از آنچه که شناخت و معرفت وحیانی تلقی می‌شود بهره می‌برند.

گزینه «۲»: بالاترین مرتبه شهود، وحی است و وحی خود یکی از شهودهای قلبی به شمار می‌رود پس ابزار مستقل شناختی محسوب نمی‌شود.

گزینه «۴»: معرفت شهودی بی‌واسطه است، اما برای درک معارف وحیانی انسان نیاز به تعقل و تدبر دارد پس عقل انسان در درک حقایق توأم با وحی نقش دارد.

(فلسفه یازدهم، ابزارهای شناخت، صفحه‌های ۵۴ تا ۵۶)

۲۲۴- گزینه «۱»

(نیمه پواهری)

دانستنی‌های دانش فلسفه از طریق حواس و تجربه به دست نمی‌آیند؛ بلکه فقط از طریق تعقل محض می‌توان به آن‌ها رسید. مثلاً ذات و صفات خداوند را نمی‌توان با حس و تجربه درک کرد و شناخت آن‌ها مستلزم بهره‌گیری از قواعد شناخت عقلی است.

از نشانه‌های ارزش و اعتبار شناخت حسی، توانایی حس در شناخت تفاوت‌ها و تمایزهاست.

عارف و سالک الهی الله ممکن است بتواند در همین دنیا، آخرت را مشاهده کند. علاوه بر عالم طبیعت، سایر عوالم را مشاهده نماید و وجود فرشتگان را هم واقعا بباید. این قبیل مشاهدات، از نوع شهود قلبی است و از راه چشم به دست نمی‌آید.

(فلسفه یازدهم، ابزارهای شناخت، صفحه‌های ۵۳ و ۵۴)

۲۱۸- گزینه «۱»

(نیمه پواهری)

عبارت اول در گزینه اول عکس مستوی متناقض عبارت «بعضی ج الف است» در صورت سؤال است. اگر این عبارت صادق را متناقض کنیم عبارت «هیچ ج الف نیست» به دست می‌آید که قضیه کاذب است و عکس مستوی آن نیز از نظر صدق و کذب نامعلوم است؛ زیرا نمی‌توان از قضیه کاذب عکس مستوی ساخت.

عبارت دوم در گزینه اول متناقض عبارت «هر الف غیرب است» در صورت سؤال است. اگر این عبارت کاذب را متناقض کنیم عبارت «بعضی الف غیرب نیست» به دست می‌آید که قضیه‌ای صادق است.

بررسی سایر گزینه‌ها:

گزینه «۲»: عبارت اول این گزینه متناقض قضیه اول در صورت سؤال است. در تناقض از صدق یک طرف به کذب طرف دیگر می‌رسیم؛ بنابراین این قضیه کاذب است، نه نامعلوم. - عبارت ذکرشده متضاد عبارت صورت سؤال است و صدق یا کذب متضاد یک قضیه کاذب نامعلوم است.

گزینه «۳»: عبارت اول این گزینه تداخل تحت تضاد قضیه اول در صورت سؤال است. در تداخل تحت تضاد از کذب به صدق می‌رسیم، بنابراین ارزش این قضیه نامعلوم است. - عبارت ذکرشده عکس مستوی صورت سؤال است و می‌دانیم که از یک قضیه کاذب نمی‌توان عکس مستوی ساخت، زیرا عکس مستوی آن گاهی صادق درمی‌آید و گاهی کاذب، پس نامعلوم است.

گزینه «۴»: عبارت اول در این گزینه عکس مستوی قضیه «بعضی ج الف است» که چون اصل قضیه صادق است عکس آن نیز صادق می‌باشد و نامعلوم نیست.

(منطق، اکلام قضایا، صفحه‌های ۶۳ تا ۶۸)

۲۱۹- گزینه «۴»

(مسیر آفونری راهنماپس)

بین موضوع و محمول قضیه موجبه جزئی (با فرض صدق قضیه) می‌تواند نسبت ۱- تساوی ۲- عموم و خصوص مطلق ۳- عموم و خصوص من وجه باشد.

متداخل قضیه موجبه جزئی صادق از نظر صدق و کذب نامعلوم است، چون در رابطه تداخل صرفاً از صدق قضیه کلی می‌توان به صدق قضیه جزئی رسید و نه برعکس.

(منطق، اکلام قضایا، صفحه‌های ۶۳، ۶۵ و ۶۶)

۲۲۰- گزینه «۴»

(نیمه پواهری)

اگر در یک قضیه موجبه کلی مانند «هر الف ب است» عکس مستوی را بدون تغییر دادن سور بسازیم یک قضیه موجبه کلی دیگر با موضوع و محمول جابه‌جا یعنی «هر ب الف است» به دست می‌آید. در حالتی که ما نسبت به محتوای قضیه بی‌اطلاع باشیم نمی‌توانیم درباره صدق و کذب این قضیه جدید سخن بگوییم و نامعلوم است. اما در این صورت سؤال گفته شده که بین موضوع و محمول عموم و خصوص مطلق با عام بودن محمول (ب) برقرار است. پس اگر «هر الف ب است» صادق باشد و «ب» عام‌تر از «الف» باشد، قضیه «هر ب الف است» یک قضیه کاذب است نه نامعلوم. بنابراین گزینه سوم صحیح و گزینه چهارم نادرست و پاسخ سؤال است.

(منطق، اکلام قضایا، صفحه‌های ۶۳ تا ۶۸)

۲۲۵- گزینه «۳»

(مسن صبری)

پارمنیدس معتقد بود که شناخت حسی به دلیلی خطاهایی که گاه در حواس رخ می‌دهد، اعتبار ندارد. به همین جهت پارمنیدس معتقد بود حرکت وجود ندارد و اشیاء در ثبات و پایداری کامل هستند. در گزینه «۳» علت و معلول جابه‌جا آمده است، یعنی عدم اعتقاد پارمنیدس به حرکت، علت عدم باور او به اعتبار شناخت حسی دانسته شده است، حال آنکه عکس آن صحیح است، یعنی عدم باور پارمنیدس به اعتبار شناخت حسی بود که سبب شد او به حرکت اعتقاد نداشته باشد و اشیاء را در ثبات و پایداری کامل بداند.

(فلسفه یازدهم، نگاهی به تاریخچه معرفت، صفحه‌های ۵۹ تا ۶۱)

۲۲۶- گزینه «۳»

(نیم پواهری)

معرفت فلسفی متکی بر استدلال عقلی است و بدون آن فلسفه اساساً وجود ندارد؛ یعنی نمی‌توان صرفاً با اتکا بر تجربه یا شهود قلبی یا وحی به معرفت فلسفی رسید.

(فلسفه یازدهم، نگاهی به تاریخچه معرفت، صفحه‌های ۶۲ و ۶۳)

۲۲۷- گزینه «۲»

(نیم پواهری)

در دوره معاصر، فیلسوفان مسلمان این نظر علامه طباطبایی را قبول دارند و معتقدند که عقل و حس و نیز شهود و وحی هر کدام در جایگاه خود اعتبار دارند و در جای خود می‌توانند ابزاری برای کسب معرفت باشند (پس هر کدام حیطة متناسب با خود دارند، نه اینکه همه در هر حیطة کاربرد داشته باشند یا حیطة‌های آن‌ها یکسان و کاملاً مشترک باشد).

بررسی سایر گزینه‌ها:

گزینه «۱»: سهروردی کوشید در نهایت نظام فلسفی خود را بر پایه شهودهای قلبی بنا نماید.

گزینه «۲»: ابن‌سینا در یکی از کتاب‌های خود که به تبیین عرفان می‌پردازد، به طور دقیق معرفت شهودی را توضیح می‌دهد اما از ارتباط آن با فلسفه و استدلال‌های فلسفی سخنی نمی‌گوید.

گزینه «۴»: این عبارت مربوط به ملاصدرا است. فارابی نیم‌نگاهی به شناخت شهودی داشت؛ اما آن را در تبیین فلسفی خود وارد نمی‌کرد.

(فلسفه یازدهم، نگاهی به تاریخچه معرفت، صفحه‌های ۶۱ تا ۶۳)

۲۲۸- گزینه «۴»

(سبا یعقوب‌زاده صابری)

از نظر کانت شناخت حاصل همکاری حس و عقل است؛ اینکه خورشید طلوع می‌کند و پس از آن زمین روشن می‌شود داده‌ای است که حس در اختیار دستگاه ادراکی ما قرار می‌دهد و این دستگاه ادراکی ما با استفاده از مفاهیم مستقل از تجربه (مانند علیت) که در اختیار دارد، حکم به یک رابطه وجودی بین این دو پدیده متعاقب می‌کند. پس اینکه علت روشن شدن زمین خورشید است امری است که به کمک مفاهیم دستگاه ادراکی درک می‌شود.

علا رد سایر گزینه‌ها:

گزینه «۱»: یونان محصور ماندن علوم تجربی در خرافات را نتیجه دنباله‌روی فیلسوفان گذشته از ارسطو می‌دانست نه برعکس.

گزینه «۲»: از منظر کانت شناخت حاصل همکاری حس و عقل است؛ نه مفاهیم دستگاه ادراکی.

گزینه «۳»: دکارت مخالف با تجربه و علم تجربی نبود؛ اما به شناخت عقلی بهای بیشتری می‌داد.

(فلسفه یازدهم، نگاهی به تاریخچه معرفت، صفحه‌های ۶۴ و ۶۵)

۲۲۹- گزینه «۲»

(سبا یعقوب‌زاده صابری)

ناتوانی تجربه در دستیابی به همه خصوصیات اشیا و احتمالی بودن بسیاری از نتایج تجربی و تفاوت میان تجربه انسان‌ها، می‌توانست قطعیت احکام تجربی را از میان ببرد. در هر حال چنین مشکلاتی سبب شد که واقع‌نمایی دانش تجربی، بار دیگر با اشکال روبه‌رو شود و جریان‌های نسبی‌گرا در داخل تجربه‌گرایی ظهور کنند.

تذکره: بنابراین با مشکل روبه‌رو شدن واقع‌نمایی دانش تجربی معلول عبارات پیشین است نه علت.

(فلسفه یازدهم، نگاهی به تاریخچه معرفت، صفحه ۶۶)

۲۳۰- گزینه «۴»

(نیم پواهری)

از نظر پراگماتیست‌ها هرچند که تنها ابزار ما در شناخت اشیاء حس و تجربه است، اما از طریق تجربه نمی‌توان به واقعیت اشیاء رسید. بنابراین ما باید تعریف خود را از درستی یک حقیقت تغییر دهیم و دیگر نمی‌توان حقیقت و شناخت را مانند گذشته یک امر ثابت و همگانی دید که باید در جهان کشف شود و معیار درستی آن در واقع‌نمایی و میزان تطابق آن با واقعیت باشد. بلکه معیار درستی در عمل و کاربرد آن گزاره در زندگی ما است. به این معنا حقیقت دیگر یک امر همگانی نیست و هیچ‌گاه کسی نمی‌تواند ادعای دستیابی به تمام حقیقت و حقیقت کامل را داشته باشد، زیرا هرکس از نظرگاه خود و از دریچه زندگی عملی خود با آن مواجه می‌شود.

توجه: پراگماتیسم را به معنای فایده‌گرایی صرف و خام و اینکه هر چه دوست داشتیم با به نفعمان بود همان حقیقت است، نگیرید.

(فلسفه یازدهم، نگاهی به تاریخچه معرفت، صفحه ۶۷)

منطق

۲۳۱- گزینه «۲»

(کتاب آبی)

صورت سؤال به رابطه «تناقض» اشاره می‌کند، که در گزینه «۲» دیده می‌شود. در رابطه تناقض هم کمیت و هم کیفیت قضایا را تغییر می‌دهیم.

(منطق، اعلام قضایا، صفحه ۶۳)

۲۳۲- گزینه «۲»

(کتاب آبی)

عبارت صورت سؤال نشان‌دهنده دو قضیه متضاد است که جمع این دو قضیه محال اما رفع آن دو ممکن است. در رابطه تضاد اگر قضیه کلی کاذب باشد، نمی‌توانیم به صورت قطعی بگوییم که قضیه متضاد آن صادق است یا کاذب.

تذکره: رابطه تضاد تنها میان قضیه‌های موجبه کلیه و سالبه کلیه برقرار است. (منطق، اعلام قضایا، صفحه ۶۴)

۲۳۳- گزینه «۱»

(علیرضا نمیری)

زمانی در دو قضیه متقابل می‌توان از صدق یک طرف به صدق طرف دیگر رسید که این دو قضیه متداخل باشند. (رد گزینه‌های ۲ و ۴) قضایای متداخل همواره از دو قضیه که در کمیت با یکدیگر متفاوت‌اند تشکیل شده است و بنابراین همواره یک قضیه کلیه و دیگری جزیه خواهد بود. (تأیید گزینه ۱). در قضایای متداخل می‌توان از کذب قضیه جزیه، کذب قضیه کلیه را نتیجه‌گیری کرد اما برعکس آن اشتباه است. (رد گزینه ۳)

تذکره: در تضاد بین قضایا، صرفاً از صدق یک طرف می‌توان کذب دیگری را نتیجه‌گیری کرد.

(منطق، اعلام قضایا، صفحه‌های ۶۴ و ۶۵)

۲۳۴- گزینه «۱»

(کتاب آبی)

بعضی خیرخواه‌ها انسان هستند، عکس مستوی قضیه اول است. اصل قضیه صادق است. بنابراین عکس آن هم صادق است.
هیچ خیرخواهی انسان نیست، متناقض قضیه «بعضی خیرخواه‌ها انسان هستند» است و چون این قضیه که عکس مستوی قضیه اول بود صادق است. بنابراین متناقض آن کاذب است.
بعضی انسان‌ها خیرخواه هستند، متداخل قضیه اول است. قضیه اول (که قضیه‌ای کلی هم هست) صادق است. بنابراین متداخل آن (که قضیه‌ای جزئی است) صادق است.

(منطق، اکلام قضایا، صفحه‌های ۶۳ تا ۶۸)

۲۳۵- گزینه «۲»

(علیرضا نمیری)

بررسی گزینه‌ها:

گزینه «۱»: استدلالی که در این گزینه مطرح شده بدین شکل است: «بعضی از دانشجویان در سلف غذا می‌خورند. در نتیجه بعضی از کسانی که در سلف غذا می‌خورند دانشجو هستند.» و چون قواعد عکس در آن به‌درستی رعایت شده پس صحیح است.

تکته: سور «بسیاری» یک سور غیراستاندارد است و به صورت استاندارد باید به شکل «بعضی» استفاده شود.

گزینه «۲»: استدلال این گزینه بدین شکل است: «بعضی داروها خوشمزه نیستند. در نتیجه بعضی چیزهایی که خوشمزه نیستند (بدمزه‌اند) دارو نیستند.» و از آنجایی که در آن برای یک قضیه سالبه جزئی عکس مستوی لازم‌الصدق قائل شده است؛ همچنین به جای صرف جابه‌جا کردن موضوع و محمول قضیه اصل، محمول آن را نقیض کرده است! پس ایهام انعکاس در آن رخ داده است.

گزینه «۳»: از قضیه «هیچ بی‌سوادی نمی‌تواند بخواند یا بنویسد.» می‌توان نتیجه گرفت که «هیچ‌کسی که می‌تواند بخواند یا بنویسد بی‌سوادی نیست.» و در این نتیجه‌گیری ایهام انعکاس رخ نداده است.

گزینه «۴»: در این گزینه نیز یک قضیه موجبه جزئی به عنوان عکس مستوی یک قضیه موجبه کلیه در نظر گرفته شده که صحیح می‌باشد.
(منطق، اکلام قضایا، صفحه ۶۹)

۲۳۶- گزینه «۳»

(علیرضا نمیری)

بررسی گزینه‌ها:

گزینه «۱»: متداخل قضیه گفته شده، «بعضی الف ب نیست» است و متناقض آن «هر الف ب است»

گزینه «۲»: متضاد قضیه گفته شده، «هیچ الف ب نیست» است و متناقض آن «بعضی الف ب است» است و متداخل آن «هر الف ب است» می‌باشد.

گزینه «۳»: عکس قضیه مطرح شده در گزینه، «هیچ الف ب نیست» می‌باشد و متضاد آن «هر الف ب است» می‌باشد. بنابراین حاصل این گزینه با سایر گزینه‌ها متفاوت است و جواب تست خواهد بود.

گزینه «۴»: متناقض قضیه مطرح شده، «هیچ الف ب نیست» می‌باشد که متضاد آن «هر الف ب است» خواهد بود.

(منطق، اکلام قضایا، صفحه‌های ۶۳ تا ۶۶)

۲۳۷- گزینه «۱»

(علیرضا نمیری)

اگر قضیه «بعضی الف ب نیست» کاذب باشد تنها قضیه‌ای که با قطعیت می‌توان حکم به کذب آن کرد «هیچ الف ب نیست» می‌باشد. بنابراین باید به دنبال گزینه‌ای بگردیم که در نهایت به این قضیه ختم شود.

بررسی گزینه‌ها:

گزینه «۱»: متداخل قضیه «بعضی الف ب است»، «هر الف ب است» می‌باشد و متضاد آن «هیچ الف ب نیست» است. بنابراین همین گزینه جواب تست خواهد بود.

گزینه «۲»: متداخل قضیه «بعضی الف ب نیست»، «هیچ الف ب نیست» می‌باشد و متضاد آن «هر الف ب است» است.

گزینه «۳»: متضاد قضیه «هر الف ب است»، «هیچ الف ب نیست» می‌باشد و متناقض آن «بعضی الف ب است» است.

گزینه «۴»: متناقض قضیه «هیچ الف ب نیست»، «بعضی الف ب است» می‌باشد و متداخل آن «هر الف ب است» است.

(منطق، اکلام قضایا، صفحه‌های ۶۳ تا ۶۸)

۲۳۸- گزینه «۳»

(کتاب آبی)

دو قضیه با هم رابطه تداخل دارند و در تداخل از صدق قضیه کلی، صدق جزئی آن نتیجه گرفته می‌شود.

دلایل نادرستی سایر گزینه‌ها:

گزینه «۱»: دو قضیه با هم رابطه تضاد دارند و در تضاد از صدق یک طرف، کذب طرف دیگر نتیجه گرفته می‌شود (نه برعکس).

گزینه «۲»: در رابطه تداخل از صدق قضیه کلی، صدق جزئی آن نتیجه گرفته می‌شود (نه کذب آن).

گزینه «۴»: سالبه جزئی عکس مستوی لازم‌الصدق ندارد و نمی‌شود چنین نتیجه گرفت.

(منطق، اکلام قضایا، صفحه‌های ۶۳ تا ۶۸)

۲۳۹- گزینه «۳»

(علیرضا نمیری)

اگر قضیه «هر الف ب است» صادق باشد، آنگاه با قطعیت می‌توان گفت که متناقض و متضاد آن کاذب خواهند بود. متناقض آن قضیه، «بعضی الف ب نیست» می‌باشد که سالبه جزئی است و متضاد آن «هیچ الف ب نیست» است که سالبه کلیه است.

(منطق، اکلام قضایا، صفحه‌های ۶۳ و ۶۴)

۲۴۰- گزینه «۴»

(کتاب آبی)

اگر قضیه «هر الف غیر ب است» را قضیه اصل بگیریم که صادق هم باشد، این قضیه با قضیه «بعضی غیر الف است»: رابطه عکس مستوی دارد که صادق است، قضیه «بعضی غیر الف است» (صادق) با قضیه «هیچ غیر الف نیست» رابطه تناقض دارد پس این قضیه کاذب است و قضیه اصلی با قضیه «بعضی الف غیر ب است» رابطه تداخل دارد پس این قضیه صادق است.

(منطق، اکلام قضایا، صفحه‌های ۶۳ تا ۶۸)

ریاضی و آمار (۳)

۲۴۱- گزینه «۳»

(عمیدرضا سپهری)

اگر a, b, c سه جمله متوالی یک دنباله هندسی باشند، آنگاه شرط $ac = b^2$ برقرار است، پس داریم:

$$a-1, 8, -4 \Rightarrow (8)^2 = -4(a-1) \Rightarrow 64 = -4a+4 \\ \Rightarrow -4a = 60 \Rightarrow a = -15$$

$$-16, 8, -4, \dots \Rightarrow a_1 = -16, r = \frac{a_2}{a_1} = \frac{8}{-16} = -\frac{1}{2}$$

$$a_n = a_1 r^{n-1} \Rightarrow a_8 = -16 \times \left(-\frac{1}{2}\right)^7$$

$$= -16 \times \left(-\frac{1}{128}\right) = \frac{16}{128} = \frac{1}{8}$$

(ریاضی و آمار (۳)، الگوهای غیرقطبی، صفحه‌های ۷۳ تا ۷۷)

۲۴۲- گزینه «۱»

(عمیدرضا سپهری)

روش اول: رابطه بازگشتی داده شده، نمایش یک دنباله هندسی است که نسبت مشترک آن برابر است با:

$$a_n = -2a_{n-1} \Rightarrow \frac{a_n}{a_{n-1}} = -2 \Rightarrow r = -2$$

روش اول:

$$a_n = a_1 r^{n-1} \Rightarrow a_3 = a_1 (-2)^2$$

$$\Rightarrow -8 = a_1 \times 4 \Rightarrow a_1 = \frac{-8}{4} = -2$$

روش دوم:

$$a_n = -2a_{n-1} \Rightarrow \begin{cases} n=3 \Rightarrow a_3 = -2a_2 \Rightarrow -8 = -2a_2 \Rightarrow a_2 = 4 \\ n=2 \Rightarrow a_2 = -2a_1 \Rightarrow 4 = -2a_1 \Rightarrow a_1 = -2 \end{cases}$$

(ریاضی و آمار (۳)، الگوهای غیرقطبی، صفحه‌های ۷۳ تا ۷۷)

۲۴۳- گزینه «۴»

(امیر زرنادور)

با توجه به شکل روبه‌رو داریم:

$$\begin{matrix} 3, & 0, & 0, & 0, & 0, & 0, & 0, & 384 \\ \downarrow & & & & & & & \downarrow \\ a_1 & & & & & & & a_8 \end{matrix}$$

$$a_8 = 384 \Rightarrow a_1 r^7 = 384 \Rightarrow 3 \times r^7 = 384 \Rightarrow r^7 = 128$$

$$\Rightarrow r^7 = 2^7 \Rightarrow r = 2$$

$$\begin{matrix} \times 2 & \times 2 & \times 2 & \times 2 & \times 2 & \times 2 & \times 2 \\ \curvearrowright & \curvearrowright & \curvearrowright & \curvearrowright & \curvearrowright & \curvearrowright & \curvearrowright \\ 3 & \cdot & 6 & \cdot & 12 & \cdot & 24 & \cdot & 48 & \cdot & 96 & \cdot & 192 & \cdot & 384 \end{matrix}$$

$$6 + 24 + 96 = 126 = \text{مجموع جملات دوم، چهارم و ششم}$$

(ریاضی و آمار (۳)، الگوهای غیرقطبی، صفحه‌های ۷۳ تا ۸۵)

۲۴۴- گزینه «۴»

(عمیدرضا سپهری)

با توجه به اطلاعات سؤال داریم:

$$r = \frac{a_2}{a_1} = \frac{a_3}{a_2} = \dots = \frac{a_n}{a_{n-1}} = \frac{1}{2} \quad \text{و} \quad S_4 = 15$$

$$S_n = \frac{a_1 (r^n - 1)}{r - 1} \Rightarrow 15 = \frac{a_1 \left(\left(\frac{1}{2}\right)^4 - 1\right)}{\frac{1}{2} - 1} \Rightarrow 15 = \frac{a_1 \left(\frac{1}{16} - 1\right)}{-\frac{1}{2}}$$

$$\Rightarrow -\frac{15}{2} = -\frac{15}{16} a_1 \Rightarrow a_1 = \frac{16 \times 15}{2 \times 15} = 8$$

(ریاضی و آمار (۳)، الگوهای غیرقطبی، صفحه‌های ۷۳ تا ۸۵)

۲۴۵- گزینه «۱»

(کوروش داوری)

با توجه به سؤال داریم:

$$a_1 + a_2 = \frac{1}{2}(a_3 + a_4)$$

$$\Rightarrow a_1 + a_1 r = \frac{1}{2}(a_1 r^2 + a_1 r^3)$$

$$\Rightarrow a_1 + a_1 r = \frac{1}{2} r^2 (a_1 + a_1 r)$$

$$\xrightarrow{a_1 + a_1 r \neq 0} 1 = \frac{1}{2} r^2 \Rightarrow r^2 = \frac{1}{2} \Rightarrow r = \pm \sqrt{\frac{1}{2}}$$

جملات دنباله مثبت هستند، بنابراین $r = \sqrt{\frac{1}{2}}$ قابل قبول است.

(ریاضی و آمار (۳)، الگوهای غیرقطبی، صفحه‌های ۷۳ تا ۷۷)

۲۴۶- گزینه «۴»

(ابوالفضل بویاری)

با توجه به اینکه $a_2 = \frac{3}{5}$ و $a_1 = -3$ داریم:

$$r = \frac{a_2}{a_1} = \frac{\frac{3}{5}}{-3} = -\frac{1}{5}$$

$$a_n = a_1 r^{n-1} \Rightarrow a_5 = -3 \left(-\frac{1}{5}\right)^4 = -3 \times \frac{1}{625} = \frac{-3}{625}$$

(ریاضی و آمار (۳)، الگوهای غیرقطبی، صفحه‌های ۷۳ تا ۷۷)

۲۴۷- گزینه «۳»

(محمدرضا بفرایی)

با توجه به اعداد داده شده داریم:

$$a_1 = \frac{1}{2}, r = \frac{a_2}{a_1} = \frac{1}{\frac{1}{2}} = 2$$

$$a_n = a_1 r^{n-1} \Rightarrow 1024 = \frac{1}{2} (2)^{n-1}$$

$$\Rightarrow 2048 = 2^{n-1} \Rightarrow 2^{11} = 2^{n-1} \Rightarrow n = 12$$

(ریاضی و آمار (۳)، الگوهای غیرقطبی، صفحه‌های ۷۳ تا ۷۷)

۲۴۸- گزینه «۱»

(محمدرضا بفرایی)

$$a_1 = 2, a_4 = \frac{2}{27} \Rightarrow r^{4-1} = \frac{a_4}{a_1}$$

$$\Rightarrow r^3 = \frac{\frac{2}{27}}{2} = \frac{1}{27} \Rightarrow r^3 = \left(\frac{1}{3}\right)^3 \Rightarrow r = \frac{1}{3}$$

$$S_{10} = \frac{2 \left(1 - \left(\frac{1}{3}\right)^{10}\right)}{1 - \frac{1}{3}} = \frac{2 \left(1 - \left(\frac{1}{3}\right)^{10}\right)}{\frac{2}{3}} = 3 \left(1 - \left(\frac{1}{3}\right)^{10}\right)$$

(ریاضی و آمار (۳)، الگوهای غیرقطبی، صفحه‌های ۷۳ تا ۸۵)

۲۴۹- گزینه «۳»

(علیرضا عیدی)

$$S_6 = 5S_3 \Rightarrow \frac{a_1 (1 - r^6)}{1 - r} = 5 \times \frac{a_1 (1 - r^3)}{1 - r}$$

$$\xrightarrow{r \neq 1} a_1 (1 - r^6) = 5a_1 (1 - r^3)$$

$$\Rightarrow (1 - r^6) = 5(1 - r^3) \Rightarrow 1 + r^3 = 5$$

$$\Rightarrow r^3 = 4 \Rightarrow r = \sqrt[3]{4}$$

(ریاضی و آمار (۳)، الگوهای غیرقطبی، صفحه‌های ۷۳ تا ۸۵)

۲۵۰- گزینه «۱»

(امیر زرنروز)

$$\frac{a_6}{a_3} = \frac{27}{8} \Rightarrow \frac{a_1 r^5}{a_1 r^2} = \left(\frac{3}{2}\right)^3 \Rightarrow r^3 = \left(\frac{3}{2}\right)^3 \Rightarrow r = \frac{3}{2}$$

$$a_2 = a_1 r \Rightarrow 2 = a_1 \times \frac{3}{2} \Rightarrow a_1 = \frac{4}{3}$$

(ریاضی و آمار (۳)، الگوهای غیرخطی، صفحه‌های ۷۴ تا ۸۵)

علوم و فنون ادبی (۳)

۲۵۱- گزینه «۲»

(مجتبی فرهادی)

موارد مربوط به گزینه «۲» یعنی «ج و د» نادرست است:

ج) نثر داستانی در این دوره تنوع مضمون دارد؛ مانند داستان‌های اقلیمی، شهری، کودکان، زنانه و ...

د) ابهام در شعر معاصر پسندیده است و معنی‌گریزی از ویژگی‌های شعر این دوره است.

(علوم و فنون ادبی (۳)، سبک‌شناسی، صفحه‌های ۹۷ و ۹۸)

۲۵۲- گزینه «۳»

(یاسین مهریان)

تشریح گزینه‌های نادرست:

گزینه «۱»: تفکر انسان‌گرایانه (اومانیزم) که در آثار قبل از انقلاب وجود داشت، گاهی در برخی از آثار بعد از انقلاب به گونه‌ای کم‌رنگ مشاهده می‌شود.

گزینه «۲»: در دهه «هشتاد» شاهد داستان‌نویسی (مینی‌مال) هستیم.

گزینه «۴»: این ویژگی، مربوط به قلمروی ادبی است.

(علوم و فنون ادبی (۳)، سبک‌شناسی، صفحه‌های ۱۰۱ و ۱۰۲)

۲۵۳- گزینه «۲»

(کتاب آبی)

گزینه «۲»: «فاعلاتن فاعلاتن فاعلن = رمل مثنی محذوف»

(علوم و فنون ادبی (۳)، موسیقی شعر، صفحه‌های ۱۰۷ و ۱۰۸)

۲۵۴- گزینه «۳»

(مجتبی فرهادی)

این گزینه در وزن «فاعلاتن فاعلاتن فاعلاتن فاعلاتن» سروده شده و بحر آن «رمل» است.

(علوم و فنون ادبی (۳)، موسیقی شعر، صفحه‌های ۱۰۷ و ۱۰۸)

۲۵۵- گزینه «۲»

(سیدعلیرضا علویان)

وزن مصراع‌واره اول این گزینه «فاعلاتن فعلن» است نه «فاعلاتن فاعلاتن». وزن سایر گزینه‌ها درست ذکر شده است.

تذکر: در وزن‌یابی اشعار نیمایی، همواره اختیار شاعری (ابدال، بلند بودن هجای آخر و ...) را اعمال کنید.

(علوم و فنون ادبی (۳)، موسیقی شعر، صفحه‌های ۱۰۴ تا ۱۰۷)

۲۵۶- گزینه «۲»

(کتاب آبی)

تمام مصراع‌های این شعر بر وزن «فاعلاتن فاعلاتن فاعلن» و با نشانه‌های هجایی «- U - - - U - - - U -» سروده شده است.

(علوم و فنون ادبی (۳)، موسیقی شعر، صفحه‌های ۱۰۴ تا ۱۰۷)

۲۵۷- گزینه «۴»

(یاسین مهریان)

این بیت، در وزن «مفاعیلن مفاعیلن فعولن» سروده شده است و نام بحر عروضی آن، «هزج مسدس محذوف» است.

توجه داشته باشید که وزن مصراع اول، با استفاده از اختیارات شاعری، به «فاعلاتن فاعلاتن فاعلن» تغییر یافته است که با بررسی مصراع دوم این بیت، مشخص می‌شود که وزن اصلی بیت، «مفاعیلن مفاعیلن فعولن» است.

وزن سایر گزینه‌ها:

گزینه «۱»: «فاعلاتن فاعلاتن فاعلن (رمل مسدس محذوف)

گزینه «۲»: «مفاعیلن مفاعیلن مفاعیلن (هزج مسدس سالم)

گزینه «۳»: «فاعلاتن فاعلاتن فاعلن (رمل مثنی محذوف)

(علوم و فنون ادبی (۳)، موسیقی شعر، صفحه‌های ۱۰۷ و ۱۰۸)

۲۵۸- گزینه «۲»

(کتاب آبی)

تمام مصراع‌های گزینه «۲» از تکرار «مفاعیلن» ساخته شده است.

ولی افسوس و صدفاسوس (مفاعیلن مفاعیلن)

ز ابر تیره برقی جست (مفاعیلن مفاعیلن)

که قاصد را میان ره بسوزانید (مفاعیلن مفاعیلن مفاعیلن)

تشریح گزینه‌های دیگر:

گزینه «۱»: وزن این شعر به این صورت است:

حرف‌های ما هنوز ناتمام (فاعلاتن فاعلاتن فاعلن)

تا نگاه می‌کنی (فاعلاتن فاعلن)

وقت رفتن است (فاعلاتن فع)

گزینه «۳»: وزن این شعر به این صورت است:

تو نیستی که ببینی (مفاعیلن فاعلاتن)

چگونه جای تو در زندگی سبز است (مفاعیلن فاعلاتن مفاعیلن)

هنوز پنجره باز است (مفاعیلن فاعلاتن)

گزینه «۴»: وزن شعر چهارم به این صورت است:

من خزان جاودانه پشت میز (فاعلاتن فاعلاتن فاعلن)

یک جهان ترانه‌ام شکسته در گلو (فاعلاتن فاعلاتن فاعلن فع)

شعر بی‌جوانه‌ام نشسته روبه‌رو (فاعلاتن فاعلاتن فاعلن فع)

(علوم و فنون ادبی (۳)، موسیقی شعر، صفحه‌های ۱۰۴ تا ۱۰۷)

۲۵۹- گزینه «۳»

(کاتلم کاتلمی)

مفهوم مشترک عبارت شعری صورت سؤال و بیت گزینه «۳»: شکایت شاعر از غفلت و خواب‌زدگی مردم و بیهوده دانستن تلاش خود برای آگاهی‌بخشی به افراد جامعه

مفاهیم سایر ابیات:

گزینه «۱»: بی‌خبری انسان‌های ناآگاه در عالم و رنج کشیدن اهل بصیرت در زندان دنیا

گزینه «۲»: توصیه به عبرت‌پذیری با سپری شدن عمر

گزینه «۴»: توصیف زیبایی‌های معشوق

(علوم و فنون ادبی (۳)، مفهومی، صفحه ۱۰۴)

۲۶۰- گزینه «۳»

(کتاب آبی)

در ابیات گزینه‌های «۱»، «۲» و «۴» به معشوق زمینی اشاره شده است؛ اما در بیت گزینه «۳» مقصود از دوست، خداوند، یعنی معشوق آسمانی است.

(علوم و فنون ادبی (۳)، مفهومی، صفحه ۹۷)

جامعه‌شناسی (۳)

۲۶۱- گزینه «۴»

(نگار غلامی)
از نظر مخالفان قشربندی، مالکیت خصوصی موجب برقراری روابط ظالمانه میان افراد و در نتیجه، نابرابری اجتماعی شده است.
(جامعه‌شناسی (۳)، نابرابری اجتماعی، صفحه‌های ۷۱ و ۷۲)

۲۶۲- گزینه «۲»

(نگار غلامی)
رویکرد اول، لیبرالیستی است و معتقد است که بازار آزاد تعیین‌کننده است و هیچ کنترلی نباید در بازار وجود داشته باشد. رویکرد دوم، رویکرد کمونیستی است و معتقد به کنترل مطلق بازار و عدم وجود مالکیت خصوصی است.
حوزه رقابت مربوط به رویکرد لیبرالی است.

(جامعه‌شناسی (۳)، نابرابری اجتماعی، صفحه‌های ۷۳ تا ۷۸)

۲۶۳- گزینه «۱»

(نگار غلامی)
اشکالات رویکرد دوم:
با حذف مالکیت خصوصی، انگیزه رقابت از بین می‌رود؛ زیرا این امر سبب می‌شود تلاش و شایستگی افراد کوشا و توانمند نادیده گرفته شود.
در این رویکرد، نقطه شروع رقابت‌ها یکسان می‌شود اما به دلیل اینکه انگیزه رقابت از بین می‌رود، راه پیشرفت مادی مسدود می‌گردد.
(جامعه‌شناسی (۳)، نابرابری اجتماعی، صفحه ۷۶)

۲۶۴- گزینه «۳»

(کتاب آبی)
مهم‌ترین هدف جامعه‌شناسی انتقادی، نقد وضعیت موجود و تجویز راه‌حلی برای رسیدن به وضعیت مطلوب است.
وجه اشتراک جامعه‌شناسی انتقادی و جامعه‌شناسی تفسیری، تأکید بر توانایی و خلاقیت افراد در ساختن جهان اجتماعی است.
غلبه رویکرد تبیینی در جامعه‌شناسی، سبب شد گزاره‌های انتقادی و تجویزی یا داوری درباره ارزش‌ها خارج از علوم اجتماعی و غیرعلمی قلمداد شوند.
(جامعه‌شناسی (۳)، سیاست هویت، صفحه‌های ۷۹ تا ۸۳)

۲۶۵- گزینه «۱»

(کتاب آبی)
نسل‌کشی در کامبوج توسط خمرهای سرخ ← همانندسازی جنبش سبک زندگی ← سیاست هویت
الگوی مطلوب قرآن ← الگوی تعارف
(جامعه‌شناسی (۳)، سیاست هویت، صفحه‌های ۸۹ تا ۹۱)

عربی زبان قرآن (۳)

۲۶۶- گزینه «۴»

(پرویز ویاان)
«تَنْزِيلًا» قطعاً فرود آورده شدند (فعل مجهول است) ← رد گزینه‌های ۱ و ۳؛ مفعول مطلق تأکیدی آمده است که قید تأکید باید در ترجمه، قبل از فعل بیاید، نه در اول جمله، چون مفعول مطلق تأکیدی فعل را تأکید می‌کند، نه کل جمله را ← رد گزینه‌های ۲ و ۳ / «الْمَلَائِكَةُ»: فرشتگان (رد گزینه ۲) (ترجمه)

۲۶۷- گزینه «۲»

(درویشعلی ابراهیمی)
«یتیم»: حاصل می‌شود، صورت می‌پذیرد، به‌وجود می‌آید / «التوازن»: تعادل، توازن / «وجود علاقات مُتداخلة»: وجود روابطی به هم پیوسته (رد سایر گزینه‌ها) / «الکائنات الحیة»: موجودات زنده / «فی هذه البیئة»: در این محیط زیست (رد گزینه ۱) / «تمّا»: (مفعول مطلق تأکیدی) قطعاً، واقعاً (رد سایر گزینه‌ها) (ترجمه)

۲۶۸- گزینه «۴»

(درویشعلی ابراهیمی)
«بدأتُ أفکر»: شروع به اندیشیدن کردم (رد گزینه‌های ۱ و ۳) / «کیف یستطیع»: چگونه می‌تواند (رد گزینه‌های ۲ و ۳) / «أن یراقب»: مراقبت کند / «طوال اللیل و النهار»: در طول شب و روز / «فهمت»: فهمیدم (رد گزینه‌های ۱ و ۳) / «البومات»: جفدها / «تُساعده»: به او کمک می‌کنند (رد گزینه‌های ۱ و ۳) (ترجمه)

۲۶۹- گزینه «۱»

(مهمعلی کاظمی نصرآبادی)
«المزرعة: مزرعة» و «تتعرّض للأکل»: در معرض خوردن قرار می‌گیرد. صحیح است.

(ترجمه)

۲۷۰- گزینه «۲»

(درویشعلی ابراهیمی)
«عمو ثم: العَمّ ثم / «سال‌ها»: سنوات، أعواماً (رد گزینه‌های ۱ و ۴) / «کار می‌کرد»: کان ... یشتغل (رد سایر گزینه‌ها) / «در مزارع پنبه»: فی مزارع القطن (رد گزینه ۴) / «در بسیاری»: فی کثیر (رد سایر گزینه‌ها) / «بالات»: الولایات / «به او ظلم می‌شد»: کان یُظلم (رد گزینه‌های ۱ و ۴) (ترجمه)

۲۷۱- گزینه «۳»

(مهمعلی کاظمی نصرآبادی)
صورت سؤال گفته «هیچ فقری مانند نادانی و هیچ میراثی مثل ادب نیست» که با این گزینه (نادان‌ها در زندگی‌شان ادب ندارند) تناسب مفهومی ندارد. (مفهوم)

۲۷۲- گزینه «۳»

(علی مفسر زاده)
تشریح سایر گزینه‌ها:
گزینه «۱»: فعل «ظَنَنْتُ» ثلاثی مجرد است و «ثلاثی مزید» نادرست است، همچنین این فعل «مبنی» است و «معرب» نمی‌باشد.
گزینه «۲»: واژه «طعام» مفرد است و جمع نیست.
گزینه «۴»: واژه «مَجَفَّوْ» نقش «حال» را ندارد. (تخلیل صرفی و اعراب)

۲۷۳- گزینه «۱»

(سیره میا مؤمنی)
«تَرْتِیْبًا» و «الْبَضَائِع» شکل صحیح کلمات در گزینه «۱» هستند. (ضبط حرکات)

۲۷۴- گزینه «۳»

(کتاب آبی)
صورت سؤال گزینه‌ای را می‌خواهد که در آن «مفعول مطلق» نیامده باشد. در گزینه «۳» مفعول مطلق نیامده است؛ «بعیداً» اصلاً مصدر هم‌جنس فعل قبل از خود نیست تا مفعول مطلق باشد.
بررسی سایر گزینه‌ها:
گزینه «۱»: «إكرماً» که مصدر منصوب فعل «أكرمت» است؛ مفعول مطلق نوعی (بیانی) است؛ چون پس از آن «صفت (بالغاً) آمده است.
گزینه «۲»: «تأديباً» که مصدر منصوب فعل «أدب» است؛ مفعول مطلق نوعی (بیانی) است؛ چون پس از آن «صفت (جمیلاً) آمده است.
گزینه «۴»: «رغبةً» که مصدر منصوب فعل «رغب» است؛ مفعول مطلق نوعی (بیانی) است؛ چون پس از آن «صفت (کثیره) آمده است. (مفعول مطلق)

۲۷۵- گزینه «۱»

(پرویز ویا)

«خُصُوراً»: مفعول مطلق تأکیدی (در این جمله فقط یک تأکید برای فعل وجود دارد)

تشریح سایر گزینه‌ها:

گزینه «۲»: «تَمَتَّعاً»: مفعول مطلق تأکیدی / «إِنَّ»: تأکید برای کلّ جمله (پس در این عبارت دو تأکید وجود داشته و فقط یک کلمه تأکید نشده است).
گزینه «۳»: «تَقْدِماً»: مفعول مطلق نوعی (چون «يَقْبَلُ» صفت برای «تَقْدِماً» می‌باشد، پس تأکید وجود ندارد).
گزینه «۴»: «مُسَاعِدَةً»: خبر کانت («مُسَاعِدَةً» اسم فاعل است نه مصدر. پس در این گزینه هم تأکید وجود ندارد).

(مفعول مطلق)

فلسفه دوازدهم

۲۷۶- گزینه «۱»

(علیرضا نصیری)

اگر شکوفایی علم در جامعه را به یک درخت تشبیه کنیم، اولین و اساسی‌ترین شرط وجود آن، یک زمین حاصل‌خیز است که در این مثال همان «حیات عقلی» می‌باشد. بنابراین حیات عقلی اولین و اصلی‌ترین شرطی است که برای رشد هر علمی، از جمله فلسفه وجود دارد. مورخان علم گزارش کرده‌اند که حیات عقلی مسلمانان با ظهور اسلام آغاز گشت و این حیات عقلی به دست پیامبر اکرم و قرآن کریم و با بهره‌گیری از روش‌هایی بدیع در راستای دعوت به تفکر و تعقل، پایه‌ریزی شد. بنابراین حیات عقلی جامعه مسلمانان حاصل دعوت پیامبر و قرآن به تعقل است. سایر دلایل رشد فلسفه، همگی از آثار همین حیات عقلی هستند. مثلاً اینکه مباحث اعتقادی گسترش بیابد یا مسلمانان مشتاق فراگیری علوم سایر تمدن‌ها باشند، همگی از پیامدهای حیات عقلی هستند. بنابراین می‌توان گفت که ریشه‌ای‌ترین علت رشد فلسفه در جهان اسلام، دعوت قرآن و پیامبر به تعقل است.

(فلسفه دوازدهم، آغاز فلسفه در جهان اسلام، صفحه‌های ۷۲ و ۷۳)

۲۷۷- گزینه «۴»

(علیرضا نصیری)

از نظر فارابی سعادت و کمال انسان به زندگی او در جامعه وابسته است و به همین جهت هدف اصلی جامعه باید سعادت انسان در دنیا و آخرت باشد. بر همین اساس بهترین مدینه‌ها از نظر او شهری است که مردم آن به اموری مشغول هستند و به فضایی آراسته‌اند که مجموعه مدینه را به سوی سعادت می‌برد و چنین جامعه‌ای از نظر فارابی «مدینه فاضله» است. بنابراین تفاوت مدینه فاضله با سایر شهرها و اجتماعات، هم‌راستا بودن آن با سعادت انسان است.

بررسی سایر گزینه‌ها:

گزینه «۱»: فارابی یک فیلسوف مشائی است و اساساً پایه‌گذار حکمت مشاء در عالم اسلام است و به همین جهت او را بعد از ارسطو که معلم اول لقب دارد، معلم دوم نام نهاده‌اند. اما با این وجود نظریه وی در باب فلسفه سیاسی نزدیک به نظر افلاطون است نه ارسطو.

گزینه «۲»: فارابی هرگز مشاغل سیاسی را نپذیرفت و با اهل سیاست معاشرت نداشت. اما درباره سیاست بسیار اندیشید و آثاری در این زمینه نوشت.

گزینه «۳»: مدنی‌الطبع بودن انسان اولین مبنای فارابی در ورود به مباحث اجتماعی و فلسفه سیاسی است. مدنی‌الطبع بودن انسان به این معناست که انسان بر حسب فطرت و طبع خود به جامعه گرایش دارد و می‌خواهد با هموعان خویش زندگی کند. البته این موضوع بدین معنا نیست که او مجبور است در اجتماع زندگی کند.

(فلسفه دوازدهم، آغاز فلسفه در جهان اسلام، صفحه‌های ۷۵ تا ۷۷)

۲۷۸- گزینه «۳»

(علیرضا نصیری)

«از نظر ابن‌سینا، تأمل در رابطه طبیعت با ماوراء طبیعت و خدا در کنار تحقیق در روابط میان پدیده‌ها، دانشمند و محقق را از ظاهر پدیده‌ها عبور می‌دهد و به باطن آن‌ها می‌رساند؛ آن‌ها را به خضوع و خشیت در برابر حق می‌رساند...» بنابراین اگر فردی علاوه بر بررسی روابط میان پدیده‌های طبیعی (علوم طبیعی) ارتباط آن‌ها با ماوراء طبیعت و خدا را نیز در نظر بگیرد و مطالعه کند، به عمق مطالب دست خواهد یافت و به باطن آن‌ها خواهد رسید و آنگاه به خشوع و خشیت در برابر حق خواهد رسید.

نکته: برای رسیدن به باطن پدیده‌ها باید هم به روابط خود پدیده‌های طبیعی توجه کرد و هم ارتباط آن‌ها با ماوراء طبیعت را بررسی کرد. بنابراین اینکه یکی از این دو عامل را رها کنیم، برخلاف نظر ابن‌سینا خواهد بود.

(فلسفه دوازدهم، دوره میانی، صفحه‌های ۸۰ و ۸۱)

۲۷۹- گزینه «۳»

(علیرضا نصیری)

سهروردی برای ابن‌سینا احترام قائل بود و از او سپاس‌گزاری می‌کرد، اما در عین حال می‌کوشد با اضافه کردن کشف و شهود به فلسفه استدلالی ابن‌سینا آن را به کمال برساند. فیلسوف اشرافی می‌کوشد آنچه را با استدلال عقلی به دست آورده به ذائقه دل برساند و آنچه را شهود کرد با استدلال به دیگران منتقل کند. بنابراین تفاوت ابن‌سینا و سهروردی در ارتباط میان شهود و عقل است.

بررسی سایر گزینه‌ها:

گزینه «۱»: ابن‌سینا نیز در کتاب اشارات و تنبیهات خود بخشی را به توضیح و تبیین عرفان و شهود اختصاص داده اما در مورد ارتباط میان شهود و فلسفه چیزی نگفته است.

گزینه «۲»: واضح است که عقل به‌تنهایی نیز می‌تواند به شناخت‌هایی برسد و سهروردی منکر این موضوع نیست. مثلاً عقل بدون دخالت هیچ‌گونه شهودی می‌تواند بفهمد که اجتماع دو قضیه متناقض محال است.

گزینه «۴»: سهروردی در مکتب خود هم از حکمت مشاء متأثر بوده و هم از اندیشه حکیمان ایران پیش از باستان تأثیر پذیرفته است.

(فلسفه دوازدهم، دوره میانی، صفحه‌های ۸۳ و ۸۴)

۲۸۰- گزینه «۳»

(علیرضا نصیری)

جویندگان معرفت از نظر سهروردی چهار دسته هستند:

اول) کسانی که تازه شوق معرفت یافته‌اند و جویای آن هستند.

دوم) کسانی که در فلسفه استدلالی به کمال رسیده‌اند اما از ذوق و عرفان بی‌بهره‌اند.

سوم) کسانی که فقط به شهود می‌پردازند و از فلسفه استدلالی غافلند.

چهارم) کسانی که هم در صور برهانی به کمال رسیده‌اند و هم در اشراف و عرفان. با توجه به صورت سؤال کسانی که در فلسفه استدلالی استاد هستند، هم می‌توانند مصداق دسته دوم باشند و هم چهارم (چون ذکر نشده که آیا نسبت به عرفان بی‌توجه هستند یا خیر) (رد گزینه‌های ۲ و ۴) اما از طرفی کسی که صرفاً به شهود می‌پردازد فقط می‌تواند مصداق دسته سوم باشند.

(رد گزینه‌های ۱ و ۲)

(فلسفه دوازدهم، دوره میانی، صفحه ۸۵)